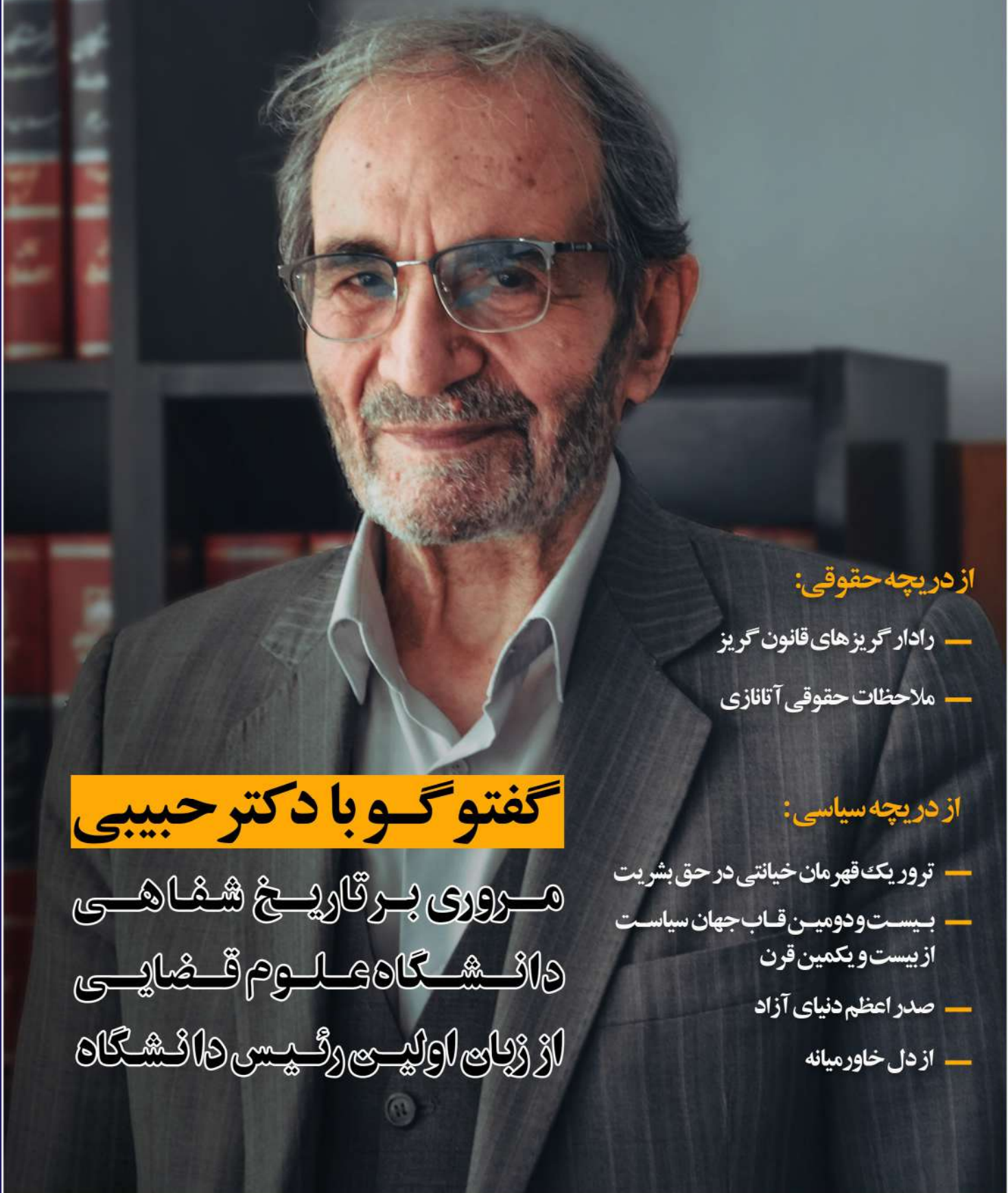


خطبه هشت

نشریه خط بهشتی - شماره هفدهم - بهمن ماه ۱۴۰۰



از دریچه حقوقی:

- رادار گریزهای قانون گریز
- ملاحظات حقوقی آتانازی

گفتوگو با دکتر حبیبی

مروری بر تاریخ شفاهی
دانشگاه علوم قضایی
از زبان اولین رئیس دانشگاه

از دریچه سیاسی:

- ترور یک قهرمان خیانتی در حق بشریت
- بیست و دومین قاب جهان سیاست
- ازیست و یکمین قرن
- صدر اعظم دنیای آزاد
- از دل خاورمیانه



وای بر آن انقلاب و انقلابی که در بامداد پیروزی بخواند به محیط آرام و آسایش دهنده‌ی انقلاب
پیروز شده، دل ببندد و با شهادت و مبارزه و پیکار خدا حافظی کند. شهید بهشتی (شهید مظلوم بهشتی)

خط بهشت

شناسنامه اثر

نشریه خط بهشتی - شماره هفدهم - بهمن ماه ۱۴۰۰

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه
علوم قضائی و خدمات اداری

مدیر مسئول:

جواد زمانی نسب

سردبیر:

حامد رسولخانی

اعضای تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

مرتضی بابائی فتلکی

محمدپارسا بامری

علی بیات

علی سواری

رضوانه شهبازی

ساوالان محمد زاده

آرش وثاقتی جلال

ویراستار:

میعاد پور ناظری

امیرمسعود حاجی محمودی

روابط عمومی:

محمدپارسا بامری

طراح و گرافیست:

محمد گرامی

فهرست

دریچه سیاسی - اجتماعی ۴

مروری بر تاریخ شفاهی دانشگاه علوم قضایی از زبان اولین

رئیس دانشگاه ۵

ترور یک قهرمان خیانتی در حق بشریت ۷

بیست و دومین قاب جهان سیاست از بیست و یکمین قرن .. ۹

صدر اعظم دنیای آزاد ۱۲

از دل خاورمیانه ۱۴

دریچه حقوقی ۱۶

رادار گریزهای قانون گریز ۱۷

ملاحظات حقوقی آتانازی ۲۰

فقه پویا؛ علوم انسانی ایستا ۲۳

معرفی کتاب ۲۴

دریچه فناوری و تکنولوژی ۲۷

چشم انداز تحولات تکنولوژیکی در سال ۲۰۲۱ ۲۸

نشریه خط بهشتی در فضای مجازی



ارتباط با روابط عمومی نشریه: ۰۹۲۲۱۵۹۳۶۸۳



دریچه سیاسی-اجتماعی

ماهنامه خط بهشتی - شماره هفدهم - بهمن ماه ۱۴۰۰



بعد از برگزاری کنکور از آنجایی که کنکور را در دانشگاه تهران برگزار کرده بودیم و هنوز جای مشخصی برای برگزاری کلاس‌ها نداشتیم، رئیس دانشگاه تهران به ما اجازه دادند تا مشخص شدن مکان اصلی دانشگاه، در اتاق‌هایی در طبقه بالای دانشکده حقوق دانشگاه تهران کلاس‌های خود را برگزار کنیم. پس از مدتی دانشجویان تحکیم که در آن زمان ارتباط خوبی باهم داشتیم، به ما اطلاع دادند که می‌توانیم کلاس‌های خود را در دانشگاه آن‌ها که در خیابان خارک قرار داشت دایر کنیم و آن‌ها نیز کلاس‌های خود را در طبقه بالای همان دانشگاه تشکیل خواهند داد.



بعد از اقامت ما در این دانشگاه بنده شروع به تهیه کتاب برای ایجاد کتابخانه دانشگاه کردم و اغلب کتاب‌هایی که هم اکنون نیز در کتابخانه موجودند را خودم خریده‌ام. در این حین که دانشجویانی را هم پذیرفته بودیم، بایستی به دنبال اساتید می‌گشتیم؛ چند نفر را استخدام کردیم که یکی مرحوم **آیت الله قله‌ای** بودند.

مدتی طول کشید که اسانامه و برنامه درسی دانشگاه در وزارت علوم تصویب شود و در این مدت اساتید برجسته دیگری از دانشگاه تهران و شهیدبهشتی قبول کردند که برای تدریس چند درس در دانشگاه ما مشغول شوند؛ حاصل تدریس یکی از این اساتید نیز ترجمه شرح لمعه بود که در دانشگاه تهران چاپ شد.

پس از اینکه دانشجویان وارد مباحث اصلی حقوقی شدند، به تدریج اساتید بسیار فرهیخته‌ای از جمله آیت الله مقتدایی، آیت الله عمید زنجانی، دکتر صفایی، دکتر کی‌نیا (بنیان‌گذار

مروری بر تاریخ شفاهی دانشگاه علوم قضایی از زبان اولین رئیس دانشگاه

مصاحبه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم قضایی

با دکتر نجفقلی حبیبی

اولین رئیس دانشگاه علوم قضایی

آقای دکتر در ابتدای کلام و به رسم مقدمه نگاری، کمی درباره تاریخچه دانشگاه علوم قضایی و سال‌های ابتدایی تأسیس و افتتاح آن بفرمایید.

بعد از شهادت مرحوم دکتر بهشتی، مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه شدند که البته در آن زمان، یک شورای متشکل از پنج مجتهد مدیریت دستگاه قضایی کشور را برعهده داشت و بعد از آن تصمیم بر این بود که دستگاه قضایی به صورت یک قوه مستقل و با ریاست یک مجتهد به این امور بپردازد.

در سال ۶۱ بنده در یکی از جلسات شورا شرکت داشتم که در آن به موضوع دانشگاه علوم قضایی و خدمات دادگستری که پیش از انقلاب تصویب شده بود ولی هیچ‌گاه عملی نشده بود، پرداخته شد؛ در این زمان فرصتی بود که ما بتوانیم این دانشگاه را برای تربیت نیروهای قوه قضائیه تأسیس کنیم که براساس ضوابط قوه قضائیه باشد. در این جلسه تصمیم بر این بود که بنده تأسیس دانشکده را برعهده بگیرم که در ابتدا بسیار با این تصمیم مخالفت نمودم ولی در آخر با پافشاری اعضای شورا این مسئولیت را پذیرفتم. ما برای مشخص کردن مکان دانشکده نزد حاج آقای که در آن زمان رئیس بنیاد مستضعفان بود رفتیم و ایشان یک ساختمان بزرگ در میدان ولیعصر را به ما دادند. بعد از آن نوشتن اسانامه دانشکده شروع شد که در آن به تخمین سه نفر هیأت مدیره (یک نفر نماینده شورای قضایی که آیت الله جوادی آملی بودند، یک نفر وزیر علوم و یک نفر بنده که رئیس دانشکده بودم) بسنده کردیم.

پس از آن نوبت این بود که دانشجو بپذیریم و همانطور که می‌دانید در آن زمان دانشگاه‌ها به دلیل انقلاب فرهنگی دانشجو نمی‌پذیرفتند و ما **اولین دانشکده‌ای** بودیم که جذب دانشجو را در دو دانشکده حقوق قضایی و پلیس قضایی آگهی کردیم؛ به همین دلیل هم استقبال بسیاری شد.

جرم شناسی در ایران)، دکتر جعفری لنگرودی، دکتر ضیایی بیگدلی، دکتر اسدالله امامی، دکتر آخوندی، آیت الله بجنوردی و دکتر عظیمی که همه این اساتید برتر در مقطع دکتری تدریس می‌کردند، برای تدریس در دوره لیسانس به دانشگاه ما آمدند.

برای ورود دانشجویان به دانشگاه یک گزینش اخلاقی و اعتقادی بسیار سخت مقرر شده بود که پس از انجام مراتب آن، دانشگاه افتتاح شد. مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی و آقای اصغری که در آن زمان وزیر دادگستری بودند هم در جلسه افتتاحیه حضور داشتند.

در آن زمان مدیریت دانشکده حقوق و دانشگاه الزهرا هم با بنده بود که چندی بعد به خواست وزیر علوم وقت، مسئولیت دانشگاه تربیت مدرس هم به من سپرده شد که تا سال ۶۶ در آنجا مشغول بودم. تا زمانی که در انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی از تهران انتخاب شدم نیز ریاست دانشگاه علوم قضایی را برعهده داشتم.

آقای دکتر آیا پیش از تأسیس دانشگاه علوم قضایی از شخص شهید بهشتی حرف یا توصیه‌ای درخصوص این دانشگاه وجود داشت؟

در جلسه‌ای که ابتدای بحث عرض کردم گفته شد که تصویب اساسنامه این دانشگاه متعلق به پیش از انقلاب بود و شهید بهشتی نیز خواستار تأسیس دانشگاه بودند اما بنابر شرایط آغازین انقلاب و مسئولیت‌های فراوان شهید بهشتی، فرصت نشده بود که در زمان حیات او این دانشگاه تأسیس شود.

در سال‌های ابتدایی تأسیس دانشگاه فضای جنگ تحمیلی بر کشور حاکم بود و ۲۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم قضایی نیز در این دوران به شهادت رسیدند. آیا در دوران مدیریت شما مواردی بودند که از دانشگاه انصراف دهند و به جبهه بروند؟

بله قطعاً چنین مواردی بوده که البته بنده تعداد کمی از آن‌ها را به خاطر دارم ولی می‌دانم اعزام برخی دانشجویان به مناطق جنگ زده برای رفع مشکلات مردم از جمله عمرانی، قضایی و ... صورت می‌گرفت که خودم نیز یکبار به همراه آن‌ها رفته بودم. هدف این دانشگاه تربیت دانشجویان برای منصب قضاوت بود؛ آیا از نظر شما این موضوع با پذیرفتن قاضی از حوزه یا سایر دانشگاه‌ها منافاتی دارد؟

حقیقت امر این بود که هدف اصلی این دانشگاه تربیت قضات برای خود نظام بود؛ زیرا دانشجویانی که از سایر دانشگاه‌ها وارد دستگاه قضایی می‌شدند اکثراً ضوابط قوه قضائیه را نداشتند ولی اینگونه نبود که منعی برای ورود دانشجویان دانشگاه‌های دیگر به دستگاه قضایی باشد.

فرمودید که در ابتدای ورود دانشجویان گزینش بسیار سختی مقرر شده بود؛ آیا این گزینش به‌طور مستمر بوده و فضای مذهبی در طول تحصیل دانشجویان در دانشگاه حاکم بوده یا خیر؟

بعد از دوره ریاست من که آقای یزدی ریاست قوه را برعهده گرفتند سختگیری‌ها دوچندان شد زیرا گمان می‌کردند که ما

خیلی آزادی خواه و سهل گیر بودیم. یک قاضی بایستی آزاد تربیت شود و نمی‌توان مانند برده او را تربیت نمود؛ به همین دلیل بود که بنده بسیار بر اخلاقیات میان دانشجویان تأکید می‌کردم. این را باید از جامعه پرسید که آیا سختگیری‌های آقای یزدی نتیجه داده است یا خیر.

اوایل انقلاب اینگونه بود که بایستی برای جذب قضات آن‌ها را از فیلترهای بسیار سختگیرانه‌ای عبور می‌دادند تا مورد قبول قوه قضائیه باشند. آیا الآن هم پس از گذشت چهل سال بایستی در همان سطح سختگیری وجود داشته باشد یا اینکه هر کسی از دانشگاه‌های معتبر دیگر می‌تواند صرفاً با گذراندن چند گزینش علمی و عقیدتی-سیاسی وارد دستگاه قضایی شود؟

از نظر بنده در شرایط حاضر منحل کردن دانشگاه علوم قضایی ایده مناسبی نیست؛ از جهتی دانشجویان دانشگاه‌های دیگر آنچنان علاقه‌ای به این شغل ندارند و از جهت دیگر ما با کمبود قاضی مواجهیم. می‌توان دانشگاه علوم قضایی را از مجموعه قوه قضائیه خارج کرد و آن را زیرمجموعه‌ای از وزارت علوم کرد ولی برای دستگاه قضایی خوب است که اطمینان حاصل کند که در سال تعداد مشخصی قاضی وارد این مجموعه خواهند شد.

اکثر رؤسای قوه قضائیه هنگامی که بر سر کار می‌آمدند، خودشان نیز یک نهاد آموزشی برای تربیت نیروی انسانی قوه قضائیه تأسیس می‌کردند (مثل دانشگاه عدالت و یا حوزه علمیه آیت الله آملی لاریجانی). آیا آیت الله موسوی اردبیلی هم چنین دیدی داشتند؟

به نظر بنده خیر؛ آیت الله موسوی اردبیلی پیش از انقلاب مؤسسات آموزشی متعددی را تأسیس کرده بودند و پس از اتمام مسئولیتشان به عنوان رئیس قوه هم دانشگاه مفید را تأسیس کردند. ایشان درکل انسانی علمی و اهل مطالعه بودند و به این مسائل می‌پرداختند.

با توجه به سختی‌ها و حواشی که برای حضرتعالی پیش آمد اگر به گذشته برگردید آیا دوباره همین مسیر تأسیس دانشگاه علوم قضایی را در پیش می‌گیرید یا خیر؟

بیشتر این سختی‌ها به دلیل شرایط ابتدایی انقلاب بود و در آن زمان شرایط اقتضا می‌کرد که بنده مسئولیت چندین دانشگاه را برعهده بگیرم و بسیار خوشحالم از اینکه خداوند این توفیقات را به بنده عطا کرد.

در پایان بحث اگر توصیه و راهنمایی و یا سخنی خطاب به دانشجویان علوم قضایی دارید بفرمایید.

فضای کشور بسیار تغییر کرده‌است ولی بایستی دانشجویان، مسئولیت قضایی و عدالت اجتماعی را بفهمند زیرا بیشتر این مسئولیت برعهده قوه قضائیه است و بایستی تربیت علمی و اخلاقی آن‌ها به بهترین نحو باشد. قوه قضائیه همچنان به دانشگاه علوم قضایی به عنوان دانشگاهی که تربیت نیرو دارد، نیاز خواهد داشت.

قهرمان ص



جنایت های هولناک وحوش تکفیری و سلفی به قدری گسترده، سازمان یافته و دردآور بود که حتی برشمردن و مرور آنها نیز دل را آکنده از غم و اندوه می کند. نقض فاحش حقوق بشر و نسل کشی های متعدد و به بردگی گرفتن زنان و کودکان مظلوم ایزدی تنها نمونه های کوچکی است از آنچه که در دولت به ظاهر اسلامی عراق و شام (داعش) روی داده است. سردار سلیمانی و هم رزمان شهیدش با نثار جان و ایثار در مقابله با چنین جنایت هایی؛ نه تنها به دفاع از خاک و وطن برخاستند بلکه خدمتی بزرگ به جامعه بشری کرده و بدل به ارمغان آوردند صلح و امنیت منطقه ای و فرامنطقه ای شدند. اگر ساز و کار و معیارهای بین المللی بر حسب انصاف و واقع بینی بنا می شد، پس از پایان توخّش داعش، جایزه صلح نوبل باید به سردار ایرانی می رسید. اما افسوس و صد افسوس که مزد ایثار و جان فشانی های این سردار علوی در شبی سرد، در فرودگاه بغداد با آتش سوزان داده شد. با این حال، آنچه که مسلم است؛ شهید سلیمانی قهرمان مبارزه با تروریسم جهانی، حافظ صلح منطقه و ناجی میلیون ها انسان غیرنظامی و بی گناه بوده و این انکار ناپذیر است.

به قتل رساندن یک مقام دولتی و عالی رتبه در زمان غیرمناقشه، آن هم در شرایط صلح و در یک کشور ثالث؛ بدون شک نقض کنوانسیون های متعدد بین المللی نظیر ژنو و کنوانسیون ۱۹۷۳ و قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت بوده و مسلماً غیر قانونی و ذیل عناوین تروریسم بین المللی قابل تفسیر است. همچنین عاملان و آمران به ترور را از این راه می توان محاکمه و تعقیب کرد. همانگونه که در این مدت بر این وادی بسیار سخن رفته است. اما به اعتقاد نویسنده این سطور از زاویه دیگر نیز می توان به این واقعه حزن نگرین و ابعاد ویرانگر و مخرب آن را مورد بررسی و تحلیل قرارداد. به راستی ترور ناجوانمردانه سپهبد سلیمانی همانا جنایتی بود در حق بشریت.



تروریک قهرمان، خیانتی در حق بشریت



نویسنده: آرش وثاقتی جلال

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قضایی
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

هنگامی که بوی سرد خون و تندی باروت سرتاسر سوریه و شمال غرب عراق را فراگرفته بود؛ زمانی که سایه شوم پرچم های سیاه داعش بر شهرها و خانه های مردم بین النهرین سنگینی می کرد؛ آن گاه که هیچ زمزمه ای از امید بر لب ها نبود و هیچ آرزویی برای رهایی از بحران در دل مسلمین سوری و عراقی جریان نداشت؛ روزگار تاریک و عجیب به خون مظلومین در پیشگاه جهانیان قرارگرفت؛ رقه، رمادی، فلوجه، الانبار، موصل و لاذقیه یکی پس از دیگری زیر آتش توپ و تانک داعش قد خم کرد و اراضی میان رودان در گرد و غبار جولان تویوتاهای مسلح به دوشکا محو شد؛ مردم بی پناه منطقه به سرنوشتی تلخ و نکبت بار دچار شدند. سرنوشتی بدتر از بیانیه بالفور و ولادت نحس اسرائیل...



در اوج نومیدی و ظلمات بشری به ناگه بارقه نوری از حوالی آمرلی طلوع کرد و قهرمانی از دیار پارس به پا خاست و با صبر، استقامت، ایمان و تقوا همچون مولایش علی بن ابی طالب بر هیمنه پوشالی دشمن تاخت و ناجی عراق، شام، خاورمیانه و جهان شد. ژنرال سلیمانی همان امید، همان آرزو و همان حلقه مفقوده اتحاد از دست رفته جوانان عراقی و سوری شد تا آنها نیز در برابر خصم بر پا خیزند و مقاومت کنند. حضور مؤمنانه و خستگی ناپذیر در میدان نبرد، سبب شد تا دولت خودخوانده داعش به تدریج مغلوب و بعد از مدتی کوتاه به طور کلی سرنگون و نابود گردد.

این حادثه شوم برای امنیت منطقه، بحث و تبادل نظر می نمایند که خود حکایت از ابعاد وسیع این ترور ناجوانمردانه دارد. اگر مجامع بین المللی و داعیه داران صلح و حافظین حقوق انسان، در پی محکوم کردن و برخورد کیفری با عاملان چنین ترور شنیع و ناجوانمردانه ای بر نیاید، خیانتی دو چندان و بزرگ تر در حق عالی ترین مفاهیم و ارزش های انسانی و بشری نموده اند. ژنرال سلیمانی تنها یک مستشار نظامی نبود. او در قامت دیپلماتی کارکشته ولو غیر رسمی و رایزنی دل سوز و مدبّر در میادین گوناگون و بحران های متعدد منطقه ای حضور داشت. بسیاری از خصومت های مذهبی و قومی را حل و فصل می کرد. سر دار به برقراری صلح از افغانستان و پاکستان تا سوریه و عراق و به شکل گیری و تحکیم روابط سازنده میان دول خاورمیانه کمک شایانی کرده است. همه آنچه که مدعیان صلح جهانی در به سر انجام رساندن آن عاجز و ناتوان بوده اند، توسط ژنرال ایرانی و همراهان شهید مطهرش محقق شده است.



برای پاسداشت چنین ارزش های ذاتی و متعالی هم که شده، باید در پی تعقیب متجاوزان به حقوق بشر و عاملان ترور رفت. از دست دادن ژنرال حافظ امینت و حامل صلح و مودت برای میلیون ها انسان حزن انگیز و دردآور است. چنین جنایتی هرگز نباید از جانب محافل حقوقی و مجامع بین المللی بی پاسخ بماند. چرا که سکوت در برابر این جنایت، خیانت بر بشریت است.

شاید عنوان به کار رفته کمی دور از ذهن و مبالغه آمیز و از منظر حقوق و قواعد بین الملل غیر قابل انطباق باشد. شاید ایراد شود که چنین حادثه ای با هیچ یک از موارد مندرج در بندهای یازده گانه ماده هفتم اساسنامه رم قابل تطبیق نیست. طبق آنچه که در کتب و مبانی حقوق بین المللی تعریف می گردد، جرم جنایت علیه بشریت، آن هم بر گروه و جامعه ای مشخص، با عددی نسبتاً بالا و به صورت مکرر، قابلیت وقوع دارد. حال اینکه به قتل رساندن فرد یا افراد محدود را نمی توانیم در این مقوله بگنجانیم. حتی برخی شروط صدر ماده هفتم اساسنامه و توضیحات تکمیلی آن، منطبق با ویژگی های این حادثه نبوده. لذا چنین عنوان مجرمانه ای را نمی توان بر قاتلان شهدای فرودگاه بغداد بار کرد.

درست است که بنا بر صدر ماده هفت اساسنامه رم شاهد حمله ای در چهارچوب گسترده بر ضد جمعیت غیر نظامی نیستیم و اساساً شروط احصا شده در این ماده چندان سنجی با حادثه ما واقع ندارد. اما اگر پیمان را کمی فراتر از تعاریف مندرج در اساسنامه بگذاریم، دقیق تر به آنچه که روی داده بنگریم و صرفاً جنایت علیه بشریت را در لایه لای سطور موجود در این اساسنامه خلاصه نکنیم؛ منصفانه است که عواقب ترور فرودگاه بغداد را جنایت و خیانتی علیه بشریت بدانیم.

به قتل رساندن قهرمان مبارزه با تروریسم و حافظ و پاسدار امنیت ابناء بشر در یک تحلیل منطقی و نگاه عقلانی خود جراحی کاری بر پیکره انسانیت و خدمت به همان قاتلان و جنایت کاران علیه بشریت است. چگونه می شود افرادی را که حامی و عامل صیانت از جان و مال آدمی هستند، بکشند و به آن جامعه بشری آسیب و گزند وارد نشود؟ از بین بردن پایه های حفظ و نگرانی از جامعه جهانی خود سبب بروز خطر و ایجاد آسیب بیشتر بر آن است. این عمل را چه می توان نام نهاد؟ آیا جنایت علیه آدمی و حقوق حقه او نیست؟



گرچه باید اشاره کرد و متذکر شد، حمله ای که شب سوم ژانویه ۲۰۲۰ در فرودگاه بغداد به وقوع پیوست، هم سازمان یافته بود و هم گسترده. به قدری گسترده که میلیون ها انسان را داغ دار و محزون کرد. همچنین علم به ارتکاب آن توسط عاملان و آمران ترور نیز وجود داشت. این جنایت از منظر گستردگی و در برداشتن مقاصد سیاسی و آثار و عواقب زیان بار و مهم نیز کاملاً مشهود و مسلم است. کماکان پس از گذشت ۲ سال از آن شب، هنوز هم تحلیلگران بسیاری در خصوص عواقب و آثار ویران کننده



یک مرتبه انتشار اخباری حول تحرکات طالبان در ولایات مختلف افغانستان، چشم‌گیر بود. این جنبش بعد از مدت کوتاهی توانست بر قسمت‌های مهمی از افغانستان را مسلط شود و در نهایت با ایجاد سلطه بر کابل، پایه‌های اعلام حاکمیت را گسترانید.

دولت اشرف غنی که عادت به حل و فصل دعاوی خود توسط خارجی‌ها کرده بود، بازهم دست به سوی ایشان دراز کرد. اما غافل از این که دولت‌های دیگر، سر سازش با طالبان را داشتند و یا امکان مقابله با این گروه را نداشتند. دولت ایران با طالبان در تهران مذاکره کرد، دولت چین از تجارت با طالبان استقبال کرد و روسیه هم بی‌علاقه به روابط دیپلماتیک با طالبان نبود. اما ضربه کاری وقتی وارد شد که آمریکا هم نظامیان خود را تماما از افغانستان خارج کرد و عرصه را برای این جنبش، مهیا گذاشت. اتفاقی که از نظر برخی کارشناسان، به منزله شکست پروژه افغانستان توسط آمریکا بود. اما عده‌ای دیگر، از پیروزی استراتژی آمریکا در افغانستان خبر دادند. افغانستان به کشوری بدون ارتش منسجم و دوایر اداری کارآمد تبدیل شده بود. ضعف حکومتی که سالیان متمادی ادامه داشت و این چنین وابستگی‌هایی که منجر به ضربات فرهنگی عدیده شده بود، حالا زمینه را برای طالبان مهیا می‌کرد.

طالبان پس از کابل به دره مرگبار معروف خود یعنی دره پنجشیر رسیدند. اما در دره پنجشیر، علی‌رغم تصرف قسمتی از آن و حتی تخریب سنگ‌قبر احمد شاه مسعود، نتوانستند این ولایت را کامل فتح کنند. اشرف غنی هم که رئیس جمهور افغانستان بود، راهی جز ترک این کشور نیافت.

شاید یکی از تراژدی‌ترین صحنه‌های سال ۲۰۲۱، آویزان شدن برخی از مردم افغانستان از بال‌های هواپیما در فرودگاه کابل بود. مردمی که مرگ دردناک خود را به سلطه طالبان ترجیح دادند و عده کثیر دیگری از ایشان هم از هر راهی این کشور را بدرود گفتند.



بیست و دومین قاب جهان سیاست از بیست و یکمین قرن

یادداشت ویژه هفته بین‌المللی بیج دانشجویی دانشگاه علوم قضایی تهران



نویسنده: محمدپارسا بامری

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قضایی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

در ژانویه سال ۲۰۲۲ که حدود دو هفته از شروع سال جدید میلادی گذشته است و تبوتاب تعطیلات زمستانی به نقطه پایان خود رسیده، بررسی مهم‌ترین رویدادهای دنیای سیاست در سالی که تجربه کردیم، می‌تواند از مهم‌ترین و جذاب‌ترین تحلیل‌های ممکن باشد. سال ۲۰۲۱ میلادی که به‌هنگام شروع، زیر سایه ۲۰۲۰ منحوس قرار گرفته بود، با مثبت‌نگری‌های متعددی شروع شد و نوید سالی پر بار را به همه دنیا می‌داد. سال ۲۰۲۱ از نظر اتفاقات دنیای اقتصاد و سیاست، نسبت به سال قبل خود، دوازده ماه آرام‌تری را تجربه کرد اما این عبارت بدین معنا نیست که پدیده‌های شگفت‌انگیز متعددی در جهان انسانی رخ نداده‌باشد. شاید کمتر کسی در ابتدای سال ۲۰۲۱ می‌توانست پیش‌بینی کند که چین رخدادهای منحصر به فردی در سیاست بین‌الملل، رخ خواهد داد و تیترا همه خبرگزاری‌های جهان خواهد شد. در این مطلب، نگاهی گذرا و کوتاه به تعدادی از رخدادهای سیاسی برتر سال ۲۰۲۱ که انتخاب شده‌اند، خواهیم داشت.

طالبان حکومت، عاملان قدرت

در طول سال ۲۰۲۱، خبرهایی کوتاه و بریده‌بریده از تنش‌های جنبش طالبان افغانستان به‌گوش می‌رسید. این گروه که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ حکومت طالبان را برعهده داشتند، نهایتاً با دخالت کشورهای دیگر، از رأس قدرت تنزل یافته و سالیان متمادی را با امارت ولایات اندک سپری کردند. در سال ۲۰۰۶ بود که گروهک طالبان با تفکراتی نوین، دوباره به مداخله در حکومت افغانستان و مخالفت با دولت حامد کرزی پرداختند. این انقلاب در تفکرات طالبان که به‌نوعی صرفاً ظاهر قضیه بود، بصورت تدریجی تا سال ۲۰۲۱ ادامه پیدا کرد تا منجر به نتیجه مطلوب این گروه شود. در سال ۲۰۲۱ که مافیای خبرگزاری، چندان اشاراتی به حکومت و اوضاع افغانستان نداشت، به یک

از ابتدای سال ۲۰۲۱ که افزایش تولیدات واکسن و تاثیرات مثبت آن در آزمایش‌های بالینی مشاهده شد، بسیاری از کشورها با استقبال از واکسن‌های تولید شده، گوی سبقت واکسیناسیون را ربودند. همین مسئله سبب افزایش امید به سال ۲۰۲۱ می‌شد. در پایان سال ۲۰۲۱ طبق اعلام سازمان جهانی بهداشت، حدود ۴ میلیارد انسان (حدود ۴۹ درصد) واکسینه شده‌اند. بیشترین واکسن‌های تزریقی به‌ترتیب عبارتند از: آسترانکا، سینوواک، فایزر، سینوفارم، مدرنا، جانسون اند جانسون، اسپوتنیک وی، و...



در همین اثنا، کشور های زیادی شاهد تظاهرات علیه واکسیناسیون بودند و این کار را از مصادیق جنایت علیه بشریت می‌شمردند. اما با تمام مخالفت‌های این گروه‌ها، نتیجه‌ای عاید ایشان نشد و امروزه با افزایش درصد واکسیناسیون، میزان مرگ و میر ناشی از کرونا کاهش یافته است. در این بین، کشورهای امارات، مالت، بحرین، مغولستان و شیلی، ۵ کشور برتر در درصد واکسن‌های تزریقی بوده‌اند. همچنین کشورهای افغانستان، تانزانیا و پاپوآ گینه‌نو در قعر جدول واکسیناسیون قرار گرفتند.

اما با همه این اوصاف، در سال ۲۰۲۱ میلادی، حدود ۳۱۰ میلیون نفر مبتلا به کرونا شدند که البته این را آمارهای رسمی نشان می‌دهد. پس با توجه به این‌که در بسیاری از کشورها این آمار به درستی اخذ نمی‌شود، می‌توان گفت بیش از سه‌برابر این عدد، مبتلایان قطعی به کرونا هستند. و در این سال، حدود ۶ میلیون نفر از هم‌نوعان ما از دنیا رفتند.

وداع با بانوی پیر دنیای سیاست

آنگلا مرکل پس از ۱۶ سال با صدراعظمی کشور آلمان وداع کرد. می‌توان با قاطعیت گفت که یکی از مهم‌ترین تحرکات سیاسی این دهه، وداع آنگلا مرکل بود. زنی که به زعم بسیاری از کارشناسان، جزء ۱۰ شخصیت پر قدرت دنیا محسوب می‌شد. از تاثیرات وی در سیاست‌های داخلی آلمان، تاثیرات جهانی و منطقه‌ای که در اتحادیه اروپا داشت، نمی‌توان به سادگی عبور کرد. خداحافظی باشکوه آلمانی‌ها با مرکل، از فردای آن روز این سوال را برانگیخت که اتحادیه اروپا بدون مرکل به چه شمایل است؟

بی‌شک مرکل در عرصه سیاست معاصر آلمان همتایی ندارد.



و آمد و رفت سه رئیس‌جمهور آمریکا و چهار رئیس‌جمهور فرانسوی را به چشم خود دیده؛ سه بار مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مخاطب قرار داده؛ در ۱۳ نشست گروه ۷ و گروه ۸ شرکت کرده؛ و به بیش از ۷۰ نشست اتحادیه اروپا رفته است. حتی پس از ۱۴ سال که او بر سر کار است دو سوم رأی‌دهندگان آلمانی علاقه‌مندند که در سال ۲۰۲۱ نیز او همچنان بر سر کار باقی بماند. وی را به عنوان سیاستمداری عمل‌گرا در محافل سیاسی نامگذاری کرده‌اند. قطعا تا چند دهه قبل، این‌که زنی از آلمان شرقی به رأس حکومت برسد و چنین تاثیرگذار باشد، تصوری محال بود. اما آنگلا مرکل با مدل سیاستمداری خاص خویش، خود را ملقب به بانوی مدیریت بحران‌ها کرد.

برای مثال بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸-۲۰۱۲ به‌ویژه با سقوط اقتصادی یونان؛ بحران مهاجرتی اتحادیه اروپا و آلمان در سال های ۲۰۱۵-۲۰۱۶؛ و در نهایت حمله روسیه به اوکراین که در سال ۲۰۱۴ بحران‌هایی هستند که نوع برخورد مرکل با آنها از دید اروپاگرایان، میراث نیک مرکل محسوب می‌شود.

دوپادشاه در یک اقلیم

هفتم مارس سال ۲۰۲۱، رویدادی بزرگ برای ادیان جهان بود. پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک جهان طی سفری که به عراق داشت، با آیت‌الله سیستانی از مراجع بزرگ شیعه در دنیای اسلام دیدار کرد. شاید تصاویر دست دادن این دو بزرگ دینی، تا قرن‌های متمادی، الگوی جامعی از وحدت و برخورد مسالمت آمیز ادیان مختلف باشد. پس از این دیدار، پاپ در توییتری به زبان عربی اعلام کرد: «هیچ گاه این دیدار را فراموش نخواهم کرد.» رهبر کاتولیک های جهان ادامه داد که: «پس از سفر به عراق روحم سرشار از قدرانی نسبت به پروردگار و همه کسانی شد که این سفر را میسر کردند.»



گرفتند، المپیک توکیو برگزار شد. شاید تصور این که روزی المپیک جهان بدون حضور تماشاگر باشد، محال بود. اما این اتفاق به سبب کووید ۱۹ محقق شد. هرچند که مسابقات المپیک با نهایت رعایت پروتکل‌های بهداشتی و عدم حضور تماشاگران داخلی و خارجی برگزار شد و اجازه ورود به ورزشکاران مشکوک به کرونا داده نشد، اما نهایتاً شمار مبتلایان به کرونا در ژاپن افزایش پیدا کرد و از نظر اقتصادی هم ژاپنی‌ها به درآمد مدنظر خود از المپیک که در سالیان اخیر تخمین زده بودند دست نیافتند. در این دوره از المپیک، کشورهای آمریکا، چین، ژاپن، بریتانیا و روسیه به مقام اول تا پنجم در جدول توزیع مدال دست یافتند.

در دنیای سیاست، در همیشه روی یک پاشنه نمی چرخد.

یکی از تحولات مهمی که در بحث مقاومت اتفاق افتاد و محور درگیری‌های این گروه با رژیم صهیونیستی را دگرگون کرد، حملات هوایی غزه به شهرک‌های اسرائیل بود. دوشنبه شب ۱۹ مه (۲۰۲۰ اردیبهشت) شبه نظامیان فلسطینی در نوار غزه حمله موشکی به اسرائیل را آغاز کردند. اسرائیل نیز برای تلافی اهدافی در نوار ساحلی غزه را که توسط حماس کنترل می‌شد را مورد حمله هوایی قرارداد. به گزارش رسمی ارتش رژیم صهیونیستی، گروه‌های مقاومت فلسطینی بیش از ۲۰۰ موشک از نوار غزه به سوی اسرائیل شلیک کردند. شلیک این تعداد موشک به سمت رژیم صهیونیستی، اتفاقی بی‌سابقه بود. برای نخستین بار، فلسطینیان به «بن‌گوریون»، فرودگاه اصلی و بین‌المللی اسرائیل، حمله راکتی کردند. تمامی پروازهای ورودی و خروجی به و از فرودگاه کاملاً متوقف شد و هر هواپیمایی که در آستانه نشستن بود، به سمت قبرس هدایت شد. سرانجام در تاریخ ۲۱ مه، آتش‌بس را طرفین پذیرفتند و به ۱۱ روز بمباران خاتمه دادند.

به هر روی، سال ۲۰۲۱ میلادی نیز با تمامی فراز و نشیب‌هایی که به همراه داشت، به ایستگاه آخر رسید و می‌توان گفت که همچنان پس از هزاران سال تمدن بشری، بزرگ‌ترین چالش‌های جهان انسانی، حل نشده باقی ماند. هرچند که رویدادهای مهمی را پشت سر گذاشتیم، اما مسیر جهان سیاست، همچنان بر مدار سابق خود است و ۲۰۲۱ هم علاجی بر درد دنیای سیاست نبود. اتفاقات و رخداد‌های برتر سال ۲۰۲۱ در عرصه سیاسی به این مقدار ختم نمی‌شود و بسیار هستند پدیده‌های که فرصت پرداختن به آن‌ها فراهم نشد. مانند اتمام دوره نخست وزیری بنیامین نتانیاهو در رژیم صهیونیستی که در آخرین سخنرانی خود، خطاب به ایران اعلام کرد که باز خواهد گشت، انتشار اسناد پاندورا که شامل اسناد، تصاویر، ایمیل‌ها و صفحه‌های گسترده ۱۴ شرکت خدمات مالی در کشورهایی از جمله پاناما، سوئیس و امارات متحده عربی است که حواشی بسیار زیادی را برانگیخت، تاثیرات بازار ارزهای دیجیتال بر اقتصاد جهانی و رویکرد دولت‌های مختلف در قبال این اتفاقات، کودتای میانمار، بحران اقتصادی کانال سوئز و... که همگی در برهه مختص خود از اهمیت خاصی بهره‌مند بودند.

دفتر آیت الله سیستانی به دنبال دیدار ایشان با پاپ فرانسیس در بیانیه‌ای به جزئیات آن پرداخت. در این بیانیه آمده است: «در این دیدار درباره چالش‌های بزرگی که بشریت با آن در چنین دوره‌ای روبرو است، رایزنی شد. آیت الله سیستانی در این دیدار به رنجی که کشورهای مختلف دنیا با آن روبرو هستند و ظلم و فقر و ستم دینی و فکری که از آن رنج می‌برند، پرداخت و از نبود عدالت اجتماعی سخن گفت.» بازتاب این دیدار در رسانه‌های دنیا به کرات دیده شد و تصاویر دیدار این دو عالم به عنوان یکی از پربازدیدترین قاب‌های سیاسی سال ۲۰۲۱ انتخاب شد.

از شکست در انتخابات تا فتح کنگره

انتخابات کشور ایالات متحده آمریکا، به نوعی مهم‌ترین انتخابات ریاست جمهوری از لحاظ تاثیرات جهانی است. هرچند که دولت‌های رقیب همواره به دنبال کم‌اهمیت جلوه دادن نتیجه این رقابت هستند، اما در عالم اقتصاد و سیاست این چنین نیست. با پایان یافتن انتخابات آمریکا در سال ۲۰۲۰، و اعلام نتیجه پیروزی جو بایدن بر دونالد ترامپ، در سال ۲۰۲۱ جو بایدن ادای سوگند در مقام ریاست جمهوری کرد. اما همه داستان به این ختم نشد. هواداران عصبانی دونالد ترامپ که اعتقاد به تقلب در انتخابات داشتند، به خیابان‌ها آمدند و در اتفاقی عجیب و نادر، ساختمان کنگره ایالت متحده را تسخیر کردند. اما این روند و خشونت ایشان تا چند ساعت بیشتر ادامه نداشت و پس از تدابیر امنیتی که اتخاذ شد، ساختمان کنگره از معترضین تخلیه شد و در این بین، یک نفر کشته و ده‌ها معترض مجروح شدند. در روزهای آتی هم سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا به تعقیب معترضین پرداختند که آسیب به نیروهای کنگره و این ساختمان زده بودند. به هر جهت، چنین خبری که همچنان تبعاتش در رسانه‌ها مطرح است، به دلیل تهدید جدی که به ارمغان آورد یکی از مهم‌ترین اتفاقات سال لقب گرفت.



محبوب‌ترین رویداد ورزشی دنیا، بدون تماشاگر

از عجایب دنیای امروزه، این است که المپیک سال ۲۰۲۰ توکیو، در سال ۲۰۲۱ برگزار شده است شاید برای نسل‌های بعدی همواره این سوال وجود داشته باشد که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ ویروس کرونا تمامی محاسبات را برهم زد و سبب توقف برگزاری مهم‌ترین رویدادهای ورزشی جهان شد. اما بالاخره در سال ۲۰۲۱ با تدابیری که مسئولین ژاپنی در

صدراعظم دنیای آزاد

نویسندگان: مرتضی آلبوعلی - علی کلاته

دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق عمومی
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری



فرانسه، فاصله گرفت و به سمت آمریکا گرایش نشان داد. وی که به عنوان متولی «نظم لیبرال غربی» شناخته می‌شود، در دوران ۱۶ ساله صدر اعظمی خود چند بار قاره سبز را در بحران های مالی ۲۰۰۸، بحران اقتصادی ۲۰۱۰ منطقه اروپا و مهاجرت ۲۰۱۵ هدایت کرد. مرکل ۶۷ ساله نخستین صدراعظم آلمان پس از جنگ جهانی دوم است که داوطلبانه از مقام خود کناره رفت. این در حالی است که دوره صدراعظمی در آلمان محدودیتی ندارد. مرکل پس از ۱۶ سال از قدرت خداحافظی می‌کند و این کار را بدون هیاهوی زیاد طبق سبک سیاسی منحصر به فردش که شاخصه دوره حضور او در برلین و بروکسل است، انجام می‌دهد؛ با این حال دوران پس از مرکل، بسیار پر تنش به نظر می‌رسد.

در آلمان، بیش از سه دهه دولت مرکل با ثبات سیاسی و رفاه اقتصادی همراه بوده است اما اکنون صدراعظم با فهرستی طولانی از وظایف معلق، جایگاه خود را ترک می‌کند. وقتی مرکل در سال ۲۰۰۵ به قدرت رسید، آلمان با بیکاری بیش از پنج میلیون نفر مواجه بود و بیمارترین بیماران اروپا محسوب می‌شد. اما امروز اقتصاد بزرگ منطقه یورو دارای سه میلیون بیکار کمتر است و نیاز فوری به کارگران در بخش ها و مناطق خاصی وجود دارد. در همین حال، بخش چشمگیری از پناهندگان که در سال ۲۰۱۵ وارد آلمان شدند، با موفقیت نسبی وارد بازار کار شده اند.

جنبه های منفی کارنامه سیاستی مرکل

- از ناکامی های وی نیز می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- عدم مهار شیوه های حکمرانی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا مانند لهستان و مجارستان
- عدم مطابقت میان لفاظی ها و اقدام ها در زمینه تغییرات اقلیمی
- وابستگی اقتصادی
- نقش آلمان در ارتش غرب و حضور در افغانستان
- عدم تدوین نقشه راه اتحادیه اروپا و بحران مهاجرت.

بحران مهاجرت

طبق این تحلیل، بزرگترین و پایدارترین اشتباه مرکل در سال ۲۰۱۵ انجام شد هنگامی که انبوهی از مهاجران را تشویق کرد

مرکل یکی از مشهورترین سران کشورهای جهان است که پایان دوره قدرتش نگرانی هایی را در محافل اروپایی در مورد آینده و سرنوشت اتحادیه اروپا ایجاد کرده است. در این مقاله نگاهی به کارنامه او در جایگاه های سیاسی خواهیم انداخت. مجله فوربز دو بار او را دومین شخص قدرتمند جهان نامید که بالاترین رتبه ای است که یک زن تاکنون بدان رسیده است. مرکل در سال ۲۰۱۵ از سوی مجله تایمز به عنوان شخصیت سال برگزیده شد و این نشریه او را صدراعظم دنیای آزاد نامید. همچنین وی در سال ۲۰۱۶ برای دهمین سال به عنوان قدرتمندترین زن دنیا از سوی مجله فوربز برگزیده شد.

آنگلا مرکل چشم اندازهای تازه ای را در آلمان پدیدار کرد. او با مُدِرنیزه کردن جامعه آلمان، ظرفیت های نوینی را به ویژه برای زنان و جوانان آن جامعه فراهم آورد. مرکل به برابری جنسیتی بسیار اهمیت می داد و این موضوع در انتخاب نزدیکترین و امینترین مشاوران و دستیاران ارشد وی، نمود عینی داشت.

از بزرگترین بحران هایی که آلمان در زمان حکومت مرکل با آن مواجه بود، بحران های اقتصادی کمرشکن بود که اروپا در آن گرفتار بود. بحران هایی که یونان را به کشوری ورشکسته تبدیل ساخت و اسپانیا را تا مرز نابودی کشاند. با وجود دشواری های بسیار، مرکل به شدت بر سر حفظ اتحاد اروپا ایستادگی کرد و با اراده ای محکم این نظام را از این بحران بیرون کشید. مرکل توانست با خوش فکری و درایت خود، اتحادیه اروپا را از بحران مالی سال ۲۰۰۸، بحران پناهجویان، خروج انگلیس از اتحادیه اروپا موسوم به برگزیت و بحران همه گیری ویروس کرونا به سلامت عبور دهد. مرکل با میزبانی از سران دولت های مختلف و تحت تأثیر قرار دادن رسانه های جهانی توانست امروز آلمان را به مرکز دیپلماسی اروپا تبدیل کند. همین عامل سبب شد تا او را مدیر مجرب برای حل بحران های اروپا بخوانند. از جمله ویژگی های سیاست مرکل بر آلمان، گرایش او به سمت آمریکا است. وی در طول دوران رهبری اش بر آلمان از همسایه و متحد سنتی خود

تا از آفریقا و غرب آسیا به اروپا بروند. در آن زمان، او اعلام کرد «ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم»، که اساساً به منزله دعوت از تعداد زیادی از پناهندگان و مهاجران اقتصادی برای تلاش به منظور رسیدن به اروپا به امید زندگی بهتر بود. بر اساس این گزارش، نتیجه فوری این بود که مهاجران بیشتری تصمیم گرفتند از شمال آفریقا به سواحل اروپا راه پیدا کنند و برای رسیدن به این هدف، باید از دریای مدیترانه عبور می‌کردند. این امر ویرانی‌هایی گسترده را در یونان، ایتالیا و دیگر کشورهای مدیترانه ایجاد کرد که فشار اصلی موج مهاجران را متحمل شدند. سپس سلامت مهاجران مطرح بود. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، بیش از ۱۲۰۰۰ مهاجر که سعی داشتند از دریای مدیترانه عبور کنند، جان خود را از دست دادند.



در سال ۲۰۱۵، یک میلیون و ۳۰۰ هزار مهاجر تلاش کردند تا از اروپا پناهندگی بگیرند که گرچه بسیاری از آن‌ها پناهندگان واقعی بودند، اما این در خصوص همه صدق نمی‌کرد. سپس مشکل این بود که این تازه واردان را کجا باید اسکان داد. آلمان بیشترین تعداد مهاجران را پذیرفت و باید هم چنین می‌کرد، با توجه به این که صدراعظم این کشور بود که در ابتدا از همه دعوت کرد. در سال ۲۰۱۵، حدود ۵۰۰ هزار مهاجر به آلمان و ۷۵۰ هزار نفر دیگر در سال بعد از آن وارد آلمان شدند. کشورهای اروپایی زیادی به دلیل اظهارات مرکل آسیب دیدند. به ویژه آن‌هایی که چاره‌ای نداشتند زیرا مهاجران یا به سواحل این کشورها می‌رسیدند یا از سرزمین‌های آن‌ها عبور می‌کردند از جمله ایتالیا، یونان، کشورهای بالکان و کشورهای در مسیر غرب مانند مجارستان.

با این شرایط پس جای تعجب نیست که احزاب سیاسی که با مهاجرت گسترده دشمنی دارند، امروزه در این کشورها رونق و جان دوباره گرفته‌اند. به عنوان مثال، ایتالیا را در نظر بگیرید، جایی که «ماتئو سالوینی» رهبر حزب ضد مهاجرت «لیگ شمالی» در صدر نظرسنجی‌ها قرار دارد. و امروز کشورهایی مانند مجارستان رهبرانی دارند که مصمم هستند اشتباهات مرکل را تکرار نکنند. در واقع، آن‌ها از آنچه در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ رخ داد آنقدر در هراسند که اوایل این هفته مجارها، چک‌ها، اسلونی‌ها و صرب‌ها دور هم جمع شدند و نشست جمعیتی در بوداپست برگزار کردند که در واقع رد مرکل‌یسم بود.

اختلاف با اعضای اتحادیه اروپا بر سر نقض حکومت قانون
آلمان با برخی کشورهای اروپایی نظیر لهستان به خاطر آنچه نقض حاکمیت قانون عنوان می‌شود، اختلاف دارد. کمیسیون اتحادیه اروپا به تازگی در واکنش به تصمیم‌های دولت لهستان که دخالت در استقلال قوه قضائیه ارزیابی می‌شود، خواستار مجازات و جریمه کردن این کشور شد. آنگلا مرکل از سیاست‌های معتدل‌تری در قبال لهستان پشتیبانی می‌کند و در سفر اخیر خود به ورشو خواستار حل مشکلات از طریق گفت‌وگو شد و از تصمیم کمیسیون اروپا برای شکایت از دولت لهستان به طور ضمنی انتقاد کرد. حزب سبزها که به احتمال زیاد در دولت ائتلافی آینده آلمان حضور دارد، با انتقاد از نرمش مرکل در برابر ورشو خواستار برخورد قاطع با کشورهای عضو اتحادیه است که به نقض حکومت قانون متهم می‌شوند.

آلمان و جهان دست‌خوش دوران پسا مرکل

آلمان به‌عنوان وسیع‌ترین و قدرتمندترین اقتصاد منطقه یورو و یکی از ۵ ابرقدرت اقتصادی جهان در کنار نقش بسیار حیاتی و مهم‌اش در فرآیند تصمیم‌سازی سیاسی در اتحادیه اروپا، همواره اهمیت ویژه‌ای در جهان داشته است. طوری که ترکیب و ساختار سیاسی دولت آلمان برای عموم تصمیم‌گیران سیاسی در عرصه بین‌المللی مهم و تحلیل رفتارها و نگرش این غول صنعتی و سیاسی در پیش‌بینی تصمیم‌ها از مهم‌ترین کارهای تحلیل‌گران سیاسی کشورها محسوب می‌گردد. نزدیک به ۱۶ سال صدارت اعظمی مرکل در جمهوری فدرال آلمان باعث افزایش ثبات و نقش‌پذیری سیاسی این کشور در اتحادیه اروپا و حتی محیط جهانی شده است، لذا مسئله مهم با اعلام تمایل وی برای خروج از فعالیت‌های سیاسی تا سپتامبر جاری، پیش‌بینی وضعیت سیاسی این اقتصاد بزرگ جهانی را برای تمامی کشورهای صاحب تصمیم در سطح بین‌المللی سخت و دشوار نموده است. به زعم بسیاری از کارشناسان دنیای سیاست و اقتصاد، تجسم آلمان و اتحادیه اروپای بدون مرکل دور از حد تصور و بسیار شوکه‌کننده خواهد بود و خروج وی از دایره تصمیم‌گیری برای اروپا، قطعاً تبعات بسیاری به همراه خواهد داشت که پیش‌بینی آن‌ها بسیار دشوار خواهد بود.



خداحافظ بانوی اروپا

آنگلا مرکل، که او را به‌درستی قدرتمندترین زن جهان می‌دانند، پس از ۱۶ سال از کرسی ریاست بر دولت فدرال آلمان خداحافظی خواهد کرد و این کار را بدون هیاهوی زیاد طبق سبک سیاسی



منحصر به فردش که شاخصه دوره حضور او در برلین و بروکسل است انجام می‌دهد. ۴ دوره حضور مرکل در قدرت به عنوان صدراعظم آلمان، او را در تاریخ سیاسی این کشور هم رده سیاستمدار نامداری چون هلموت کوهل قرار داده که از او به‌عنوان «پدر اتحاد دو آلمان» یاد می‌کنند. اعتماد بی‌بدیل آلمان‌ها به مرکل و تصمیم‌هایش باعث شد تا مردم طی چهارده‌ده‌گذاشته رأی خود را به نفع او و حزبش به صندوق‌ها بیندازند. آلمان‌ها بازگشت کشورشان به صحنه قدرت سیاسی و اقتصادی جهان را مدیون مرکل می‌دانند. همین موضوع باعث شده تا او را «ماما مرکل» یا همان «مادر مرکل» لقب دهند.

او در پاسخ خبرنگاری که پرسید برای ادامه حیات سیاسی خود پس از کناره‌گیری چه برنامه‌ای دارید؟ با خنده گفت: شاید کتابی دست بگیرم و مطالعه کنم؛ البته مطمئنم که وسط کار خوابم می‌گیرد، چون به‌شدت خسته‌ام. چرتی می‌زنم؛ بعدش ببینم کجا بیدار می‌شوم.

او پس از تحویل دولت به جانشین خود، به دفتری که در ساختمان مجلس برای وی در نظر گرفته شده رجعت خواهد کرد و تا پایان عمر از خدماتی مانند ماشین آخرین مدل دولتی به‌همراه محافظ تمام وقت، راننده تمام وقت، دو منشی و دو مشاور در کنار حقوق مادام‌العمر ۲۵۰۰۰ دلاری بهره‌مند خواهد بود.



ندیده و احساسات انسانی او را به بمبی از شرّ مبدل ساخته، و او دیگر انسان نیست، بن لادن است، آن کس که در لندن دختری را دوست می‌داشت و آن دختر، دیگری را! به سادگی؟ آری. به همین سادگی؟ بله رفیق! به سادگی هر چه تمام‌تر! در دنیای موازی ما بن لادن با آن بانوی تاریخ‌ساز، در مجاورت برج های دوقلو پرسه می‌زنند، و سه‌هزار قبر کمتر است در نیویورک، و میلیون‌ها قبر کمتر در خاورمیانه. یازده سپتامبر و جنگ عراق و القاعده و داعش در داستان هاست. آن خاورمیانه، خاور حقیقی ماست. آن‌جا، مردمان ما عاشق‌ترین‌های جهانند، نماد سازش و الگوی دلبری، نه برای غربیان بلکه برای جهانیان. مقصر آن بانوی زیبا نبود، آغاز تلخ و شگفت از قربانی بود... در لحظه‌ای مرموز و ناشناخته، همانند انفجار بزرگ و آغاز این هستی، اوج عشق اسامی بن لادن به سیاهی نیستی مبدل گشته... او صفحه‌ای جدید از ما ساخت، که نمی‌خواستیم، اصالت ما چیز دیگر بود!

ما چکمه‌هایمان را همانند بن لادن می‌بندیم... برای انتقام؟ نه دیگر، برای چیز دیگر برای فرار از حسرتی که قرن هاست با ماست، برای یافتن عشقی که سال‌هاست در قلب‌های ماست. شاید من نتوانم، ولی رفقای جوان من در این خاور، هر کجا که هستید، با هر باور و اعتقادی که در جای جای وجودتان

دنبشته

از دل خاورمیانه

نویسنده: علی بهی

دانشجویان کارشناسی مدیریت بازرگانی
دانشگاه شهیدباهنر کرمان



کتاب خاورمیانه، صفحه آخر

چقدر لرزانک بود برق چشمانت، چشمان سیاهی که غرق می‌کرد مرا در دریای مواج بی‌رحمانه‌ات، تاریکی که دوستش داشتم، آن‌جا کسی نبود، جز روحی که در باتلاق نگاهت فرورفته و در وجودت، ابهتش فروریخته.

در آن خلأ آرام بودم، خیره، حیران، در تقلای دستانت، جست و خیزی بیهوده برای نجات! دیگر دیر شده رفیق... اسمت در داستان‌های شرقی آمده، در اینجا داستان‌های تلخ غرب، سرنوشت ماست، دیگر چرایی، ملامت و شکست، سرفصل قصه‌های ماست.

اینجا ما از دست دادن آخرین نفس‌هایمان را پذیرفتیم، تقلای ما کنار آمدن است، نه کنار زدن. اینجا خاورمیانه است، منطق ما احساس است، و احساسات بشری بسی بی‌رحم! در جنگ‌های خاورمیانه ردپای یک بانو در میان است، بانویی که معشوقش را



رخنه کرده، شاید شما آن کسانی باشید که صفحه آخر کتاب خاورمان را می‌نویسید، شاید روزی قدرتمند شدید و فرصتی یافتید، با روشنایی و نور سیاه کنید این صفحه آخر شوم آخر را، چه به لحظه وصال رسیدید، چه نه، اگر زیر زین اسب‌های زیبارویان خرد شدید، دم نزنید، حتی اگر دوستانتان پا به دنیای غرب برای پایان متفاوت گذاشتند، شما این خاک را ترک نکنید، اگر انگشت شمارید، دست‌هایتان را از هر جنس و خاکی که هستید در هم محکم بفشارید و کنار هم بمانید، قبلاً گفتیم کار ما کنار آمدن است نه کنار رفتن....

کسی چه می‌داند؟ شاید این بار جمله آخر کتاب ما، با اما و آه و افسوس تمام نشود، شاید در فصل‌های قبل گذشتگان ما تباه شدند که ما پایان داستان را دراماتیک بنویسم نه تراژیک. و در نهایت رفقا، در پس همه این شایدها در دلم یقینی دارم..... در این هوای غبارآلود.....

حداقل این یک بار ...

حداقل این یک بار ...

حداقل این یک بار فرق می‌کند....

آری..... رفقا، گوش کنید، صدایی سرخوش از دوردست می‌آید... مشامتان را به هوا بسپارید... بویی دلچسب از ناکجا آباد می‌آید.....

پیشانی‌تان را فشرده و پلک‌هایتان را رها کنید،...

نور را می‌بینید.....

آرام بگیرید! به زودی قلب‌هایتان هم رهایی می‌یابد ...





توه قضائیه



دریچه حقوقی

ماہنامہ خط بہشتی - شماره ہفدہم - بہمن ماہ ۱۴۰۰



رادار گریزهای قانون گریز

بررسی نقش پهادهای آمریکایی در ترور شهید سلیمانی

مصاحبه علیرضا سزاور، خبرنگار روزنامه جوان

با سردبیر نشریه خط بهشتی



محسوب می‌شود. برای مثال استفاده از پهپادها در جهت حفظ نظم و آسایش عموم، حفاظت و حراست از محیط طبیعی یا کنترل مرزها از جمله اختیارات یک دولت است که ریشه در حاکمیت آن دولت دارد.

بنابراین، استفاده از انواع هواپیماهای بدون سرنشین با کارکردهای غیرنظامی در قلمروی هوایی کشور دیگر، منوط به رضایت دولت سرزمینی و دادن اطلاع قبلی به آن است.

عملیات نظامی توسط یک دولت در قلمرو دولت دیگر در حقوق بین‌الملل چگونه تفسیر شده است؟

بدیهی است اعطای مجوز به هواپیماهای بدون سرنشین برای ورود به قلمروی هوایی یک کشور به معنای آزادی عمل این هواپیماها جهت انجام عملیات نظامی نیست. به این دلیل که هر نوع عملیات نظامی توسط یک دولت در قلمروی دولت دیگر در حقوق بین‌الملل فاقد مشروعیت بوده و بی‌تردید مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد نقض یک حکم خواهد بود مگر اینکه این قبیل اقدامات با رضایت دولت سرزمینی مربوطه انجام پذیرفته باشد.

در واقع مبنای حقوقی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نظامی بر فراز قلمروی هر کشور، جلب رضایت دولت سرزمینی است که در این صورت باید اقدامات هواپیماهای بدون سرنشین در چارچوب ماده ۸ کنوانسیون شیکاگو باشد. این ماده از کنوانسیون شیکاگو مقرر کرده که هیچ هواپیمای بدون خلبانی نمی‌تواند بدون کسب مجوز از یک دولت متعاقد کنوانسیون بر فراز قلمروی آن به پرواز درآید و می‌بایست که این پرواز با رعایت شرایط مندرج در آن مجوز صورت گیرد. بی‌شک حملات هواپیماهای بدون سرنشین آن هم بدون رضایت کشور هدف، نقض حاکمیت آن کشور تلقی می‌شود.

استفاده از پهپاد در وضعیت صلح چه حکمی دارد؟

می‌توان گفت استفاده از پهپاد در زمان جنگ براساس قوانین حقوق بشر مجاز است اما این اقدام در زمان صلح مجاز نخواهد بود. در واقع حمله پهپاد به قلمرو یک کشور آن هم در حالتی که بین آن‌ها حالت صلح وجود دارد، نقض قلمروی هوایی و در نتیجه نقض حاکمیت آن کشور به حساب می‌آید. با عنایت به این موارد، از آنجایی که در زمان ترور شهید سلیمانی هیچ‌گونه مخاصمه مسلحانه‌ای میان دولت‌های ایران و

بخشی از حقوق بین‌الملل، معاهده شیکاگو و حقوق بشردوستانه بین‌الملل معطوف به پهپادهای نظامی است. در نوشتار حاضر درگفتگو با یک حقوقدان ابتدا استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در زمان صلح و با توجه به اصل حاکمیت دولت‌ها و سپس به‌کارگیری آن‌ها از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه حاکم بر توسل اولیه به زور و همچنین حقوق بشردوستانه را مورد بررسی قرار دادیم. در اثنای همین گفتگو با حامد رسولخانی، حقوقدان، با توجه به سالگرد ترور شهید سلیمانی، حمله پهپاد ایالات متحده آمریکا علیه کاروان سردار شهید سلیمانی را هم مورد تطبیق حقوقی قرار خواهیم داد تا حتی الامکان جوانب حقوق بین‌الملل آن از این نظر روشن شود.

آقای رسولخانی تعریف هواپیمای بدون سرنشین از منظر حقوق بین‌الملل چیست؟

هنگامی که سخن از پهپاد یا هواپیمای بدون سرنشین می‌شود؛ منظور هواپیمایی است که یا از راه دور و توسط نیروی انسانی کنترل می‌شود و یا طبق برنامه‌ای که از قبل در سیستم آن‌ها وارد شده است، عمل می‌کند. کارکرد نظامی هواپیماهای بدون سرنشین از حوادث ۱۱ سپتامبر و شروع آنچه در گفتمان مقامات آمریکایی «نبرد علیه تروریسم» خوانده می‌شود، آغاز شده است. امروزه استفاده از پهپادهای نظامی به دلایل سیاسی و نظامی باید از نظر حقوق بین‌الملل ارزیابی شود.

استفاده از هواپیمای بدون سرنشین در زمان صلح و با توجه به اصل حاکمیت دولت‌ها تابع چه قوانینی است؟

حاکمیت دولت‌ها موجب می‌شود تا هر کشوری قوانین حاکم بر استفاده و بهره‌برداری از پهپادها را در قلمروی خودش، مطابق میل خود تعیین کند. اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها در منشور ملل متحد باید مورد توجه قرار گیرد که گاهی اینطور نیست. پیرو این اصل، استفاده از پهپادها در قلمرو یک کشور در چارچوب حاکمیت دولت، از جمله اختیارات آن کشور

آمریکا و یا عراق در جریان نبوده‌است، می‌توان حملهٔ پهپاد آمریکایی را نقض قلمروی هوایی و در نتیجه نقض حاکمیت دولت عراق به حساب آورد. مقامات عراقی نیز در این راستا سال گذشته، اعتراض خود نسبت به نقض حاکمیتشان را ابراز داشتند.

حقوق مخاصمات حاکم بر توسل اولیه به زور از طریق هواپیماهای بدون سرنشین چیست؟

بند ۴ مادهٔ ۲ منشور ملل متحد توسل به زور را منع می‌کند. البته منع تهدید به زور یا اعمال آن استثنائاتی دارد، من جمله: فصل هفت منشور (اقدامات اجرایی دسته جمعی)، مادهٔ ۵۱ منشور (دفاع مشروع)، مادهٔ ۵۳ منشور (اقدامات اجرایی توسط سازمان‌های منطقه‌ای) و دیگر مقررات دسته جمعی (مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ منشور که تاکنون منسوخ شده‌است) و همچنین اینکه یک دولت می‌تواند به درخواست دولت دیگر به اعمال زور در قلمروی آن دولت بپردازد و یا ممکن است یک دولت به انجام عملیات دفاعی در سرزمینش با دولت خارجی رضایت دهد که مثال بارز این مدعا، عملیات‌های نظامی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در مقابله با گروهک تروریستی داعش بود که با درخواست و رضایت دولت عراق و در خاک دولت عراق انجام گرفت. بنابراین، کاربرد زور جز در موارد استثنایی که حقوق بین الملل معاصر آن را پذیرفته، منع شده‌است.

آمریکا در برخی حملات پهپادی مدعی دفاع مشروع است. نهادهای حقوقی بین‌المللی در خصوص این مسئله چه نظری داشته‌اند؟

در نتیجه، برای جلوه قانونی بخشیدن به توسل به زور توسط دولت‌ها از طریق استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بایستی اقدامات آن‌ها را در قالب استثنائات بررسی کرد. در این بین و در ارتباط با حملات پهپادی ایالات متحده آمریکا در موارد مختلف علی‌الخصوص پیرامون قضیه کاروان سردار شهید سلیمانی، دو استثنای «دفاع مشروع» و «درخواست و یا رضایت دولت دیگر» قابل بررسی بوده و سایر استثنائات از بحث مورد نظر ما خارج است.

پیرامون دفاع مشروع و شرایط آن در این مطلب تنها به یکی از شرایط اصلی آن اشاره می‌شود و آن اینکه: تنها اگر یک حملهٔ مسلحانه رخ دهد، و نه در هیچ شرایط دیگر، می‌توان به دفاع مشروع متوسل شد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پروندهٔ نیکاراگوئه علیه آمریکا به این امر تأکید کرده‌است که: «اعمال حق دفاع از خود منوط به آن است که دولت مدعی حق، قربانی یک حملهٔ مسلحانه بوده‌باشد.» این در حالی است که آمریکا در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین حتی در مواردی که مخاصمهٔ مسلحانه با کشور دیگر متصور نمی‌باشد نیز اقدامات خود را بر مبنای دفاع مشروع توجیه می‌کند.

ادعای دفاع مشروع آمریکا در خصوص حمله به کاروان شهید

سلیمانی چه توجیهی دارد؟ آیا موافقتنامه آمریکا و عراق توجیه‌کننده است؟

در خصوص اقدام هواپیمای بدون سرنشین آمریکا علیه کاروان سردار شهید سلیمانی نیز همین موضوع صدق می‌کند؛ بدین علت که مسلماً آمریکا قربانی حملهٔ مسلحانه‌ای که مستقیماً یا تحت کنترل ایران واقع شده‌باشد، نبوده‌است و مقامات رسمی آمریکا هرگز دلیل و مدرکی دال بر چنین موضوعی ارائه نکرده‌اند. در قضیهٔ سردار شهید سلیمانی و در ارتباط با استثنای «درخواست و یا رضایت دولت دیگر» نیز موافقتنامهٔ ۲۰۰۸ منعقد شده میان ایالات متحده آمریکا و عراق حائز اهمیت است. اگر چه فعالیت آمریکا در خاک عراق بر اساس موافقتنامه دوجانبه است اما این موافقتنامه به واشنگتن اجازه نمی‌دهد آزادانه به مقامات کشورهای دیگر در خاک عراق حمله کند. موافقتنامه دارای مقررات مهمی است؛ فی‌المثل بر اساس مادهٔ ۴ این موافقتنامه، تمام عملیات‌های نظامی که آمریکا انجام می‌دهد باید با توافق دولت عراق باشد و بند دوم این ماده در ادامه اضافه می‌کند که چنین عملیات‌هایی باید پس از هماهنگی کامل با مقامات عراقی انجام شود. همچنین مادهٔ ۲۷ موافقتنامه به صراحت اعلام می‌کند که حمله به هرشکلی از طریق حوزهٔ صلاحیت عراق به کشورهای ثالث ممنوع است و این دقیقاً مخالف اقدامی است که ایالات متحده در ترور شهید سلیمانی در ۳ ژانویه انجام داد.



حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ارتباط آن با کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین نظامی چیست؟

اگر در یک مخاصمهٔ مسلحانه حمله‌ای از جانب هواپیماهای جنگی متعارف صورت پذیرد، قانونی بوده و تابع کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان حملهٔ هواپیمای بدون سرنشین مسلح در خلال یک مخاصمهٔ مسلحانه را نیز تابع این قوانین دانست.

برای ارزیابی قانونی بودن استفاده از سلاح‌ها باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. بدیهی است هرگاه دولت‌های متخاصم طرف معاهده، حاوی منع کاربرد سلاح مورد نظر باشند، باید به معاهده و در غیر این صورت، به حقوق بین‌الملل عرفی رجوع شود.

در صورتی که این منبع حقوق بین‌الملل فاقد قاعده‌ای در مورد ممنوعیت استفاده از سلاح باشد، به اصول اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه مراجعه خواهد شد. بمباران هوایی از طریق

در درجه اول یک سیستم انتقال سلاح است، از این رو پهپادها در ذات خود یک تهدید برای نقض قوانین بین‌المللی همچون حقوق بشردوستانه بین‌الملل نیستند بلکه سوءاستفاده و به عبارتی استفاده نادرست از این فناوری نوین شرایط غیر قانونی خواندن استفاده از آن را فراهم می‌کند.

پهپاد یک سیستم سلاح‌های غیر قانونی نیست بلکه از دید برخی محققان پهپادها کاملاً قادر به پاسخگویی به خواسته‌های اصول حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌الملل همچون اصول ضرورت، تمایز، تناسب، احتیاط و منع رنج بیهوده می‌باشند.



وضعیت پهپاد ایالات متحده آمریکا از نظر قوانین بین‌الملل در مورد کاروان شهید سلیمانی چگونه است؟

به نظر می‌رسد که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ذاتاً ممنوعیتی ندارد و این امر بیشتر بستگی به نوع سلاح‌ها و شرایط پیرامون عملیات آن‌ها دارد منتها باید به صورت موردی و طبق اوضاع و احوال و شرایط عملیات مشروعیت استفاده از آن‌ها را بررسی نمود.

بنابراین در خصوص قضیه سردار شهید سلیمانی نیز صواب آن است که به همین نحو عمل کرد، بدین صورت که میزان رعایت اصول حقوق بشردوستانه فوق توسط هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده را مورد مذاقه قرار داده و به این سؤال پاسخ داد که آیا در این مورد هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده آمریکا قابلیت رعایت اصول فوق را داشته‌است یا خیر؟

اما نکته قابل توجه اینجاست که طبق بررسی‌های اکثر محققان و همان‌طور که سابقاً نیز اشاره گردید، می‌توان گفت هیچ‌گونه مخاصمه‌ای مابین ایران و آمریکا و نیز دولت عراق وجود نداشته است و از آنجایی که حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمات قابل اعمال می‌باشد، لذا در کل نمی‌توان سخن از حقوق بشردوستانه و نقض یا رعایت آن به میان آورد و بنابراین در مورد سردار شهید سلیمانی، وضعیت پهپاد ایالات متحده آمریکا را می‌بایست خارج از چهارچوب نظام حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه مورد بحث قرار داد.

پهپادها یک شیوه نوین جنگی محسوب می‌شود که ممکن است کنترل آن از هزاران مایل دورتر صورت پذیرد.

استفاده از سلاح‌هایی نظیر پهپاد از نظر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه چه جایگاهی دارد؟

برخی از مخالفان استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مدعی‌اند که این پرنده‌ها ذاتاً به صورت کورکورانه عمل می‌کنند و در نتیجه استفاده از این نوع سلاح‌ها از منظر حقوق بشردوستانه ممنوع است اما با بررسی انواع سلاح‌هایی که تاکنون به عنوان سلاح کورکورانه شناخته شده‌اند، می‌توان ادعا نمود که هواپیماهای بدون سرنشین ذاتاً در زمره اینگونه سلاح‌ها قرار نمی‌گیرند.

آقای فیلیپ آلستون یکی از گزارشگران ویژه سازمان ملل نیز چنین نظری را تأیید می‌کند. از نظر وی، پرنده‌های بدون سرنشین در این رابطه چالش حقوقی خاصی را ایجاد نمی‌کنند و مسئله مهم در این خصوص بررسی موردی موضوع با در نظر داشتن مجموعه اوضاع و احوال و شرایط حاکم در زمان حمله است.

به طور کلی کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه مانند هرگونه سیستم پرتاب دیگری در میدان نبرد قانونی است. با این حال مهم نوع سلاح‌هایی است که این هواپیماها حمل می‌کنند. در واقع، برخی از موشک‌ها و بمب‌هایی که به وسیله این ابزارها حمل می‌شوند، از انواع سلاح‌های مجاز نیستند. توسل به نیروی مرگ‌آور و کشنده و کاربرد چنین سلاح‌هایی با قدرت آتش سنگین، در قالب اجرای حقوق مخاصمات و از طریق حقوق بشردوستانه بسیار محدود شده‌است. به ویژه، محدودیت سلب خودسرانه حیات، توسل یک دولت را در اعمال نیروی مرگ آور تحت قاعده در می‌آورد. لذا در صورتی که مهمات پرتاب شده از این پهپادها شامل تسلیحات ممنوعه مصرح‌شده در حقوق بین‌الملل همانند تسلیحات شیمیایی، تسلیحات بیولوژیکی، تسلیحات لیزری و ... باشد، استفاده از پهپاد در مخاصمه جایز نیست.

پهپادها در ذات خود یک تهدید برای نقض قوانین بین‌المللی هستند؟

به باور برخی، مقررات ناظر بر استفاده از پهپادها در مخاصمات مسلحانه همان مقررات ناظر بر هواپیماهای جنگی است اما این عقیده، به معنای چالش‌های یکسان هواپیمای جنگی و پهپادها نیست. ایالات متحده بر این عقیده است که چون «جنگ علیه تروریسم» است، استفاده از پهپادهای مسلح را قابل توجیه می‌داند که البته توسط بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل این استدلال رد شده‌است.

باید به این نکته نیز توجه نمود که هواپیماهای بدون سرنشین می‌توانند اصول حقوق بشردوستانه بین‌الملل را برآورده ساخته و همیشه مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرند. ضمن اینکه پهپاد به معنای دقیق کلمه، یک سلاح نیست بلکه



ملاحظات حقوقی اتانازی

نویسنده: هادی عنبری بیدسدره

دانشجوی کارشناسی علوم قضایی
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری



اتانازی یا هومرگی (Euthanasia) یکی از پیچیده‌ترین موضوعات جدید و بحث برانگیز جامعه امروزی است که ذیل حقوق پزشکی مطرح می‌شود؛ از این مفهوم بر اساس فعال یا غیرفعال بودن، داوطلبانه یا غیرداوطلبانه بودن، مستقیم یا غیرمستقیم بودن و... تقسیمات مختلفی ارائه شده است. ملاحظات حقوقی درباره اتانازی و بحث‌های مربوط به مجاز شمردن یا ممنوع (جرم) بودن آن چالش‌های بسیاری را سر راه حقوقدانان قرار داده است. علی‌رغم دلایل معقول و به جای مخالفان و نظر ادیان الهی درباره آن اما باز هم برخی کشورها هستند که انجام آن را مجاز و قانونی اعلام کرده‌اند. مکاتب مختلف نظر خود را با ذکر دلیلشان در مورد اتانازی اعلام کرده‌اند که برخی از آن‌ها گرچه عجیب به نظر می‌رسند، برای فهمشان باید به مبانی آن مکاتب مراجعه نمود؛ در این مقاله قصد داریم با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی، نظرات مختلف درباره اتانازی را ذکر کرده و به بررسی و نقد آن‌ها بپردازیم؛ همچنین مسائل قانونی و حقوقی این مفهوم را مورد بحث و بررسی قرار دهیم؛ تا در پایان به درک درستی از این موضوع و بحث مهم قانونی دانستن یا ندانستن آن دست یابیم.

مقدمه

اتانازی که از زبان یونانی گرفته شده، در لغت به معنی مرگ خوب، مرگ خود خواسته، مرگ شیرین، مرگ با وقار و... و در اصطلاح به شرایطی گفته می‌شود که بیمار در آن به درخواست خودش به طور طبیعی و آرام بمیرد.

کسانی که تن به این کار می‌دهند، بیماران لاعلاجی هستند که از اوضاع بد بیماری به شدت رنج می‌برند اما به دلایلی که در ادامه می‌آید، نمی‌توان گفت که عامل اصلی و قطعی آن همان بیماری لاعلاج است. آن‌ها رضایت خودشان از دیگران (پزشک، پرستار، خانواده و اطرافیان) می‌خواهند که در مردن به آن‌ها کمک کنند؛ اگر چه در ظاهر به نظر می‌آید آن بیماری جسمی (و در برخی موارد روحی) که فرد داشته باعث شده که به فکر

انجام اتانازی بیوفتند اما طبق تحقیقات به عمل آمده اگر روی موضوع عمیق شویم متوجه خواهیم شد، افرادی که دست به این عمل زده‌اند اکثراً کسانی بوده‌اند که در مدت بیماریشان دچار اختلالات، چالش‌ها و بیماری‌های روانی شده‌اند، یعنی فرد به علت بیماری غیرقابل درمان خود و تلاش‌های بی‌نتیجه‌ای که برای درمان آن انجام داده، دچار بیماری‌های روانی (مثل اختلال افسردگی اساسی، اضطراب و...) شده است که در نتیجه بیماری‌های روانی خود به این فکر افتاده که دست به انجام اتانازی بزند؛ یعنی عامل اصلی و اساسی اینجا آن بیماری روانی‌ای است که در فرد به وجود آمده نه آن بیماری جسمی‌اش؛ اکثر اوقات فرد دچار درماندگی می‌شود، احساس می‌کند کاری از دست او بر نمی‌آید، اوضاع از دست او خارج شده است؛ برای همین فکر می‌کند وقتی اوضاع و شرایط بدین شکل است، چاره‌ای جز اقدام به اتانازی نیست. برخی روان‌شناسان استدلال می‌کنند که کسانی که به دلیل بیماری، درخواست مرگ خودخواسته می‌دهند، درموردی خودکشی می‌کنند حتی اگر ما اجازه مرگ خودخواسته (اتانازی) را به آن‌ها ندهیم؛ به نظر آن‌ها با این بیماران باید مثل بیمارانی رفتار شود که هیچ‌گونه امیدی به درمانشان نیست؛ از نظر آن‌ها کسانی که می‌خواهند دست به خودکشی بزنند خواهند زد دیگر راهی برای درمانشان وجود ندارد و برای اینکه بیمار را رها نکنند، به مرگ خودخواسته متمایل می‌شوند اما برخی دیگر مخالف این نظر هستند و می‌گویند با بیمارانی که قصد خودکشی داشته‌اند کار کرده‌اند و هیچ‌یک به پایان زندگی‌شان به وسیله اتانازی نرسیده‌اند؛ نکته اینجاست که روان‌پزشکان نباید با بیمار برای این تصمیم متفق القول و همراه شوند، آن‌ها باید در کنارشان باشند و به آن‌ها امید بدهند، باید به آن‌ها نشان دهند که هرگز آن‌ها را ترک نمی‌کنند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «هرکس طبابت پیشه کند باید از خدا پروا بدارد و خیرخواهی و جدیت به خرج دهد»^۱ همچنین امام صادق (ع) از قول عیسی مسیح (ع) می‌فرماید: «آن‌که درمان کردن زخم مجروحی را واگذارد، ناگزیر شریک کسی است که زخم را بر بدن وی نشانده است؛ چه، آن‌که زخم رساننده، تباهی مجروح را خواسته است و آن‌که درمان وی را واگذارد، بهبود او را خواسته است. پس اگر که بهبود وی را خواسته، ناگزیر، تباهی او را خواسته است»^۲

۱. محمد ری شهری، دانش نامه احادیث پزشکی، ج ۱ صفحه ۶۶.

۲. همان صفحه ۶۷.

آیات و احادیث مرتبط درباره آن:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا»^۱

هیچ مؤمنی نباید مؤمن دیگری را به قتل رساند.

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»^۲

هیچ کس را که خدا جان و خون او را محترم داشته است، نکشید، مگر به حق.

همچنین در آیات دیگر، قرآن کریم، کشتن يك فرد برابر با کشتن همه انسان‌ها و زنده کردن يك فرد مساوی با زنده نمودن همه انسان‌ها دانسته است.^۳

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرماید: «از ما نیست کسی که به مسلمانی غش روا دارد یا به او زیان رساند یا به او نیرنگ زند.»^۴

در اسلام علت و فلسفه بیمار شدن مشخص شده است؛ در احادیث معصومین (علیهم السلام) آمده است که:

«هیچ مرد و زن مومن یا مرد و زن مسلمانی بیمار نمی‌شود، مگر اینکه خداوند به سبب آن بیماری گناه او را پاک می‌کند؛ آنچنان که آتش، ناخالصی آهن و نقره را می‌زداید.»^۵

باید دانست که زندگی انسان به این چند روز زندگی دنیایی محدود نمی‌شود؛ به قول علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) ما ابد در پیش داریم؛ زندگی ما از جانب خداوند به ما داده شده است، اما صاحب اختیار آن ما نیستیم که بخواهیم برای آن تصمیم‌گیری کنیم یا خوب و بد آن را خودمان تشخیص دهیم، این معیارها از قبل خود مشخص شده‌اند باید آن‌ها را اجرا کنیم؛ این جان و این زندگی به امانت به داده شده است؛ ما وظیفه داریم هر کاری که برای بهبودی، رشد، صلاح و سلامتی آن است را انجام دهیم اما این حق را نداریم که به محض اینکه به جایی رسیدیم که به ذهن کوچکمان رسید: الآن وقتش فرا رسیده، بیماری من غیر قابل درمان است، کاری از دستم برنمی‌آید پس بهتر است به زندگی خودم پایان بدهم؛ این مسئله نشان دهنده آن است که هنوز نه خود نفس انسان را شناخته‌ایم و نه خود وجود خدا را.

موافقان و مخالفان اتانازی

موافقان اتانازی چنین استدلال می‌کنند که وقتی فرد در موقعیتی قرار گرفته که در حال درد و رنج است و کیفیت زندگی او کاهش پیدا کرده، برای حفظ و کرامت انسانی به زندگی او خاتمه دهیم. همچنین برخی قائل به این هستند که خودکشی، امری خصوصی و مربوط به افراد است، آن‌ها معتقدند حیات، خصوصی‌ترین دارایی انسان است.

۱. نساء/۹۲.

۲. انعام/۱۵۱.

۳. مائده/۳۲.

۴. وسائل الشیعه، جلد ۱۷، صفحه ۲۸۳.

۵. ارشاد القلوب، جلد ۱، صفحه ۴۳.

گروهی دیگر از موافقان می‌گویند اگر چه وظیفه پزشکان شفای بیمار است، اما وقتی امکان شفای او وجود ندارد و اقدامات درمانی مختلف بیماری را چاره نکرده‌اند، طولانی شدن زندگی او به منزله عذاب هر روز او در این زندگی جهنمی است؛ بنابراین ما باید تقاضای او را به عنوان استدلال صحیح بپذیریم و اجازه این کار را به او بدهیم. آن‌ها می‌گویند خودکشی با همکاری پزشک، اگر هدفش حفظ حرمت انسان باشد و با توافق نامه انجام شود، این امر در واقع بالاترین هدف اخلاق است و ما مرگ با وقار را به او هدیه کرده‌ایم، زیرا داروهای ضد درد، درمان نمی‌کنند و درد همچنان باقی است.



اما در پاسخ به دلایل مطروحه باید گفت وقتی فرد دچار بیماری و دردی می‌شود و برخی آن را نشانه نزول کیفیت زندگی فرد می‌پندارند حاکی از آن است، هنوز به فلسفه و هدف حکیمانه ای که در پشت پرده خلقت انسان قرار دارد پی نبرده‌ایم؛ چه بسا خداوند متعال می‌خواهد با قرار دادن فرد در بیماری و درد و رنج، او را مورد آموزش قرار دهد یا کاری کند که او کفاره گناهان خویش را در همین دنیا بدهد اما برخی بیماران و پزشکان با خودکشی یا دیگرکشی، از مقاومت کردن و اعتماد به خداوند حکیم خودداری می‌کنند؛ زندگی خود مجموعه‌ای است از درد و رنج، فزونی و کاستی، پستی و بلندی، نمی‌توان تا وقتی انسان از لذایذ زندگی بهره‌مند است، بدان ادامه دهد و هر وقت تلخی‌ها و ناهمواری‌ها فرا رسید بخواهد به آن پایان بدهد. همچنین اگر چه اتانازی به صورت شخصی انجام می‌گیرد اما نمی‌توان آن را یک رفتار فردی انگاشت و آثار زیان بار ضد اخلاقی آن در اجتماع را نادیده گرفت.

در پاسخ به دلیل آخر موافقان باید گفت اگر این نوع مرگ (اتانازی) مجاز و قانونی اعلام شود، به ناچار کشتار دسته جمعی برخی افراد، بدون رضایت آن‌ها را در پی خواهد داشت، هر چند که افراد تقسیمات و شرایط جواز اتانازی را به طور دقیق بررسی و مشخص نمایند؛ به عبارتی اگر اتانازی قانونی اعلام شود، قطعاً این مسئله به وجود خواهد آمد که یزشکان و پرستاران، اتانازی را وظیفه خود می‌دانند و بنا به سلیقه‌شان مرگ را به بیماران هدیه می‌دهند. ضمناً اعتماد مردم نسبت به آن‌ها به شدت از بین می‌رود؛ ممکن است حتی بیماری به دلیل اشتباه پزشکی بمیرد ولی کادر پزشکی از این موضوع (قانونی شدن اتانازی) سوء استفاده کنند و مرگ بیمار را انجام اتانازی وانمود کنند.

علاوه بر این‌ها با رواج اتانازی، انگیزه درمان برخی بیماری‌ها از بین

اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پسا ز فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.» و قسمت مشخص شده، مجنی‌علیه باید رضایت خود را قبل از فوت و بعد از اینکه جنایت بر او وارد شده باشد، اعلام کند تا بتوان حق قصاص را ساقط کرد. بنابراین اجازه و عفو سابق بیمار تأثیری در بحث نخواهد داشت و اقدام پزشک مطابق ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، قتل عمد محسوب می‌شود.

در حالتی که پزشک با ترک فعل و اقداماتی که برای زنده نگه داشتن بیمار لازم است، اقدام به اتانازی کند، مرتکب ترک فعلی شده که به واسطه آن، حق زندگی از بیمار گرفته شده است، مطابق با بند دو ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی «۲ - هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب‌دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آن‌ها خودداری کنند، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.» با او برخورد می‌شود.



نتیجه‌گیری

اگر چه قانون خاص و مشخصی در خصوص اتانازی در نظام حقوقی ما وجود ندارد اما با توجه به تأثیر شرع و فقه بر نظام حقوقی ایران و استنباط صحیح و با در نظر گرفتن اصول تفسیر قوانین کیفری می‌توان احکام انواع مختلف اتانازی را مشخص کرد. اما لزوم توجه به قانون‌گذاری در این باره، با توجه به تحولات روز به روز مسائل در دنیا و لزوم به روز بودن قوانین بسیار ضروری می‌باشد؛ امیدواریم که مراجع صلاحیت دار قانون‌گذاری هر چه زودتر هم درباره اتانازی و هم دیگر مسائل روز که نیازمند قانون خاص و مشخص هستند، اقدامات لازم را انجام دهند تا خدای ناکرده موجب تضییع حقوق مردم نشود. ان شاء الله

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اردبیلی، محمدعلی (زمستان ۱۳۹۹)، کلیات حقوق جزا، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی (زمستان ۱۳۹۹)، حقوق جزای عمومی جلد نخست، چاپ ۶۳م، تهران، نشر میزان.

۴. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (پاییز ۱۳۹۷)، در آمدی بر حقوق جزای عمومی جرم و مجرم، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.

۵. بسیج، احمدرضا (۱۳۹۵)، «اتانازی (قتل ترجمی) از دیدگاه اسلام»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (پرتال جامع علوم انسانی)، اخلاق تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۰.

۶. حیدری ده شیخ، کبری و رحمت، محمدرضا، ۱۳۹۴، تحلیل حقوقی اتانازی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، میبد

<https://civilica.com/doc/525658>

۷. سلیمی، انسیه و فتحی، محمدجواد (۱۳۹۲)، «تحلیل حقوقی اتانازی در لایحه ی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۰»، نشریه اخلاق و تاریخ پزشکی، مهر ۱۳۹۲، شماره ۴.

۸. مظاهری نیا، مسعود و رنجبر زاده فرزانه (۱۳۹۸)، «قتل از روی ترجم»، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی ۱۳۹۸/۱۲/۱۰، ایران-تهران.

۹. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه احادیث پزشکی، ترجمه: صابری، حسین، چاپ هشتم، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۶. ش.



تا ۲۰۴۰ به بحران کم‌آبی خواهیم رسید و منابع انسانی‌مان هم که رو به شرق و غرب عالم دارد و پدیده مهاجرت نخبگان را بدنبال دارد.

ای کاش فقط ایستایی داشتیم که گاهی عقب‌گرد می‌زنیم. شاید با عبارات بعدی یک نفرین به رضاخان هم اضافه کنید! تمامی کارهایش را با لعن و نفرین یاد می‌کنیم اما سربازی نامقدسش را از ۱۳۰۴ گرفته‌ایم و رها نمی‌کنیم در حالی‌که بجز معدود کشورهایی، سربازی به این شکل، یا بساطش جمع شده و با تغییر شکل یافته‌است.



می‌دانید، ما دچار نوعی ترس هستیم، احتیاطی که باعث شده تا نتوانیم در زیست جهان مدرن، در بسیاری موارد، به توافق برسیم. هزاران توافق نشده‌ای که هم آبروی گذشته را از ما می‌گیرد و هم امید آینده را.

در علم مدیریت ۶ مرحله برای تبدیل یک دغدغه به فاجعه نام برده می‌شود:

دغدغه، مسئله، مشکل، معضل، بحران، فاجعه. کم نداریم از مسائلی که در سطح دغدغه مورد توجه واقع نشدند و تا بحران و فاجعه پیش می‌روند، همین حالا هم در چرخه تکامل هستند. تکاملی که هرروز به نقصان‌های‌مان می‌افزاید. این ماییم که باید تغییر نگاه دهیم، به خودآگاهی صحیح دینی برسیم، که اگر چنین شود علوم طبیعی و انسانی و تکنولوژی نیز به نوبه خودشان بسیار مفید و قابل استفاده خواهند بود و بواسطه همین‌ها نیز می‌توان ندای هستی را شنید. اصلاً قرار نیست فرهنگ جهانی منتظر ما بماند تا تصمیم‌مان را بگیریم. پیش می‌رود چون امری در نهاد بشریت است.

بعد از حدوث مدرنیته و ظهور علوم و تکنولوژی و نظام معرفتی جدید، بسیاری از متفکران بزرگ چه در جوامع غربی و چه در

فقه پویا؛ علوم انسانی ایستا

نویسنده: مجتبی یوسفی



دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

شاید عنوان فقه پویا و ایستا را بارها شنیده اید، یا مثلاً اهمیت عنصر زمان و مکان در فقه را در مقالات و سخنرانی‌ها دیده‌اید. یک سوال؛ آیا ما فقط در فقه دچار نوعی پویایی و ایستایی و چنین موضوعات حل‌شده و لاینحل هستیم یا در بسیاری موارد رد پای نوعی عدم توافق‌ها دیده می‌شود و به همین روش پیش می‌رویم و از این دست مشکلات داریم؟ آیا اصلاً علوم انسانی، تکنولوژی، تجربه‌های نوین بشری می‌تواند متعلق خواست و ارده ما قرار گیرد؟

این عدم توافق‌ها را چه کنیم؟ ما فضای مجازی داریم، یا سرعتش نفتی است، یا فیلتر می‌شود و یا در تب و لرز طرح صیانت هستیم! در علم مدیریت به این می‌شود مدیریت علمی گفت؟ سال ۹۲ داستان سیم کارت‌های رایتل و تماس های تصویری خیلی داغ شده بود؛ گویا آخرش هم مجوز نگرفت، الان تماس تصویری نداریم؟ خب چرا همان موقع نتوانستیم تصمیم درست اتخاذ کنیم؟

چقدر در تلاش بودیم کودکان و نوجوانان را از دنیای موبایل و فضای مجازی دور نگه داریم که مبادا استفاده درست کنند. چه شد؟ در این دو سال چه گذشت؟ در بسیاری از این دست مسائل و در علوم مختلف از سیاست گرفته تا مدیریت و فقه و... شاهد نوعی تعارض هستیم؛ تعارض میان عمل و نظر، ابزار و مفهوم، کاربرد و منطق.

نمی‌دانم، شاید دوست داریم همه‌چیز ابداع و اختراع خودمان باشد، مثل همین مدیریت اسلامی یا علوم سیاسی اسلامی یا فلسفه اسلامی در حالی‌که یا بن‌مایه‌هایش غیراسلامی است و حاصل تجربه و عقل عقلای عالم است یا حتی خود ابن سینا هم فلسفه اش را اسلامی نام نهاد! چقدر یافته‌های مادر زیست جهان مدرن جواب داده است؟ البته من فکر می‌کنم این‌ها بخاطر عدم تلاش در این زمینه‌ها نیست؛ مشکل در بدفهمی و عدم درک صحیح مسئله است که نمی‌توان کار دستمان می‌دهد و متوجه می‌شویم منابع نفتی‌مان کم شده و بشدت درگیر خام فروشی هستیم؛ منابع آبی‌مان رو به اتمام است و طبق برآوردها

جوامع غیرغربی، به محدودیت‌ها، نقصان‌ها و خطرات نظام علمی و تکنولوژیک دوره جدید گوشزد کرده‌اند. با این وصف کم‌تر متفکر اصیلی را می‌شناسیم که نظام علمی و تکنولوژیک دوره جدید را یک مصیبت تلقی کرده، یا مدعی تأسیس یک نظام معرفتی جدید به منزله جانشینی برای نظام معرفتی دوره جدید باشد. اصحاب تفکر تئولوژیک صرفاً بر محدودیت‌ها و نقصان‌های نظام علمی مدرن و علوم انسانی جدید دست می‌گذارند، بی‌توجه به این که دیرزمانی است که همین نظام علمی و علوم انسانی جدید با تمامی محدودیت‌ها و نقصان‌هایش به عنصری اجتناب‌ناپذیر از جهان کنونی و وضعیت ما تبدیل گشته است و اگر جامعه‌ای به همین نظام معرفتی جدید دست نیابد، از صحنه تاریخ حذف خواهد شد. این درست است که ما نباید به علم و تکنولوژی و علوم انسانی

جدید به معنای متعارف و رایج کلمه «خوش‌بین» باشیم، و ما باید به امکان و آغاز دیگری بیندیشیم، لکن این «امکان و آغاز دیگر» امری نیست که صرفاً براساس انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های ما متحقق گردد. می‌پذیریم که تفکر علمی و تکنولوژیک یگانه نحوه ممکن تفکر نبوده، نمی‌تواند به همه ساحات وجودی انسان و اصیل‌ترین نیازهای وی پاسخ گوید، لیکن، با همه این اوصاف، ما نباید از درک نظام علمی جدید از جمله علوم انسانی جدید به منزله عنصری ضروری و قوام‌بخش حیات کنونی خویش غافل شویم و این تصور کودکانه را داشته باشیم که به سهولت می‌توانیم این نظام علمی را کنار زده و براساس یک تصمیم‌گیری ساده بنیان یک نظام علمی یا پارادایمی جدید را برای علوم طبیعی یا علوم انسانی پی‌ریزی کنیم.



معرفی کتاب اقدام نظامی آمریکا علیه سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل

نویسنده: سید محمدعلی طاوسی ولدانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دادرسی اداری

دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری



وضعیت کشور عراق در سال‌های آخر حکومت صدام به گونه‌ای متلاطم و آشفته بود که این کشور برای ظهور و بروز گروه‌های تروریستی و از سوی دیگر برای حضور دولت‌های متجاوز و منفعت‌طلبی چون آمریکا، موقعیت و محلی مناسب ایجاد نموده بود. در پی حمله ارتش بعث عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ که محصول جاه‌طلبی‌ها و ماجراجویی‌های ویران‌کننده صدام بود، شورای امنیت ضمن احراز وضعیت نقض صلح و امنیت و محکوم نمودن اقدام عراق علیه کویت، تحریم‌هایی را علیه این کشور وضع نمود تا عراق از تداوم اقدامات خلاف خود خودداری نماید و مقرر شد که در غیر این صورت کشورهای همکار با دولت کویت در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با دولت متجاوز عراق، با توسل به کلیه وسایل ممکن، برای اجرای تصمیمات شورا اقدام کنند. نهایتاً با سماجت دولت عراق در تداوم نقض صلح و امنیت بین‌المللی و بی‌اعتنایی این کشور به تصمیمات شورا، ایالات متحده آمریکا به همین بهانه در راس نیروهایی از سایر کشورها، در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱ وارد عراق شد. طولی نکشید که صدام تسلیم و پایان عملیات نظامی در عراق اعلام شد اما این بار آمریکا با بهانه‌تراشی‌های دیگری چون لزوم

تداوم نظارت بر رفتار دولت عراق و انهدام سلاح‌های کشتار جمعی در این کشور، به حضور متجاوزانه خود در عراق ادامه داد. پس از سرنگونی حکومت دیکتاتور صدام، بنا بود آمریکا تا اتمام بازسازی کشور عراق و تنظیم قانون اساسی این کشور جهت برگزاری انتخابات و تشکیل دولتی عراقی که زمام امور را در دست گیرد، در عراق حضور داشته و ضمن سامان‌دادن به شرایط داخلی عراق و حصول اطمینان از حفظ آرامش و تثبیت موقعیت صلح در آن، وظیفه نمایندگی عراق در سازمان ملل را نیز تا زمان روی کار آمدن دولت انتخابی، بر عهده داشته‌باشد. با این حال دولت آمریکا که از حضور در این منطقه بسیار منتفع بود، این بار با انعقاد موافقتنامه‌ای امنیتی میان خود و عراق در سال ۲۰۰۸ تحت عنوان سوفا، حضورش در عراق را تا سال ۲۰۱۱ تمدید و ادامه حضور در عراق پس از آن را نیز منوط به مجوز و رضایت دولت عراق کرد. به این ترتیب مبارزه با تروریسم در عراق و داعشی که دست‌پرورده خود آمریکا بود، بهانه‌ای شد تا نیروهای آمریکایی همچنان در کشور عراق باقی بمانند و عملاً از آن کشور به‌عنوان پایگاه نظامی خود در منطقه استفاده نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز به درخواست و دعوت مقامات دولت عراق، در مبارزه با داعش با این کشور همکاری نزدیک داشت و نیروهای ایرانی به فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، در خاک این کشور حاضر و با تروریست‌های تکفیری به مبارزه می‌پرداختند. در حقیقت ایران در قبال مشکلات و نا امنی پدیدآمده در عراق حضور مستشاری خود به

نگارش مقالات و ... تلاش نمودند در قبال ایثار وی در دفاع از اسلام و میهن اسلامی ادای دین نمایند. از جمله در بعد از ظهر همان روز شهادت، جلسه‌ای برای هم اندیشی در این خصوص با حضور برخی از اساتید و متخصصین حقوق بین‌الملل و حقوق جزا در دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تشکیل گردید و در شرائطی که اندوه و غم بر فضای جلسه حاکم بود بحث و تبادل نظر آغاز گردید و پس از آن سیاست تشویق، حمایت و مساعدت در خصوص تلاش‌های علمی در این زمینه به انحاء گوناگون در دانشگاه شکل گرفت.



کتاب اقدام نظامی آمریکا علیه سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل از جمله اقداماتی است که در میان نخبگان این دانشگاه بعد از شهادت سردار قاسم سلیمانی صورت گرفته است که حاصل تلاش سه نفر از دانشجویان نخبه، مؤمن، انقلابی و بسیار پر تلاش رشته حقوق بین‌الملل این دانشگاه است. نویسندگان جوان و با دغدغه این کتاب، در کمال اخلاص و با استفاده از معلومات و یافته‌های خود در دوره تحصیل و با مطالعه و پژوهش و نیز استفاده از اساتید متخصص خود با نگاهی علمی و تخصصی تلاش نموده‌اند تا واقعه شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی را بلحاظ حقوقی بویژه حقوق بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و راهکاری حقوقی برای پیگیری و دفاع از خون آن شهید والا مقام بیابند. نظر به توجیحات حقوقی ایالات متحده برای عمل خود و با پیش‌بینی دستاویزهای موجود در حقوق بین‌الملل که ممکن است در آینده به عنوان پاسخ ادعاهای حقوقی ایران مطرح شود این کتاب ضمن توجه به مسائل نظری سعی دارد در نهایت بهترین رویکرد عملی ممکن برای اقدام حقوقی ایران علیه آمریکا، چالش‌ها، فرصت‌ها و اقتضائات آن را نیز نمایان سازد.

در صفحات نخستین کتاب جمله ارزشمندی از حاج قاسم سلیمانی با این مضمون «اگر شما تنها یک درصد از صد درصد توانایی دارید، لازم است که در همان یک درصد، شما صد درصد باشید و کار کنید یعنی دیگر در این مسئله از یک درصد خود کوتاهی نکنید. اگر شما به این مسئله عمل کنید و مابقی که همان نود و نه درصد است را به دست خدا بسپارید؛ مطمئن باشید خداوند متعال شما را پیروز خواهد کرد، ان شاءالله!» به چشم می‌خورد که نشان از مجاهدت و تلاش و توکل بر

این کشور مساعدت نمود و و مردم عراق را در مبارزه با تکفیر، تجاوز و ترور تنها نگذاشت.

همچنین به فرمان مرجعیت دینی عراق، به جهت مبارزه با داعش و رفع شر آن از سرزمین عراق، بسیج مردمی عراق و به عبارتی الحشدالشعبی تاسیس شد و مبارزه با داعش از سوی نیروهای عراقی نیز قوت و سروسامان گرفت. موفقیت حشدالشعبی بگونه‌ای بود که در تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۱۶، مجلس عراق با اکثریت آراء، این نهاد مردمی را به عنوان یک نیروی نظامی جدا از ارتش به رسمیت شناخت و از نظر سلسله مراتب، ذیل فرماندهی کل و نخست وزیری قرار گرفت، به طوری که پس از تصویب این قانون، بسیج مردمی عراق به یک نهاد قانونی مبدل شد و جزء ساختار ارتش و حاکمیتی دولت عراق قرار گرفت.

در چنین شرایطی، آمریکا به تلافی کشته شدن یک پیمانکار آمریکایی در حمله ناشناس راکتی به پایگاهی آمریکایی در نزدیکی شهر کرکوک در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ ایالات متحده، بدون هماهنگی با دولت عراق و بدون اثبات مسئولیت داشتن نیروهای مقاومت و حشدالشعبی در این ماجرا یا قبول مسئولیت حمله از سوی آنها، به اقدام نظامی در خاک این کشور دست زده، مواضع نیروهای مذکور در مرز سوریه و عراق و همینطور اماکن جنوبی شهر القائم در مرز با سوریه را مورد هجوم و حمله قرار می‌دهد که در پی آن ۵۱ نفر مجروح و ۲۸ نفر به شهادت می‌رسند.

در پی این ماجرا و سایر اقدامات مخل امنیت توسط ایالات متحده آمریکا، مردم عراق که دیگر از نقض مکرر و متعدد حقوق خود و اقدامات خلاف حقوق بشر، ناقض حقوق بین‌الملل و سופا توسط آمریکا خسته شده بودند، پای در میدان نهاده و به حق خواستار خروج آمریکا به عنوان عامل ناامنی عراق از خاک این کشور شدند. در تجمع و تظاهرات اعتراضی مردم عراق و ورود آنها به منطقه سبز بغداد و سفارت ایالات متحده آمریکا، هیچ خسارتی متوجه اعضای دیپلماتیک آن نشد و دولت عراق مطابق با تعهدات بین‌المللی خود به عنوان کشور میزبان، تلاش خود را برای ایجاد آرامش و حفاظت از هیئت آمریکایی انجام داد تا ماجرا به شکل مسالمت‌آمیزی فیصله یافته و مردم از سفارت آمریکا خارج شوند.

در کشاکش حوادث مذکور، ایالات متحده آمریکا با اعلام توجیهاتی نامعقول و نامشروع، طی یک حمله موشکی پهبادی در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۰ اتومبیل سردار سلیمانی و همراهان وی را مورد هجوم قرار داد که منجر به شهادت دو تن از سرداران دلیر مقاومت حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی‌المهندس، معاون فرمانده حشدالشعبی عراق، و همراهان ایشان شد.

این واقعه به غایت تلخ، توجه افشار مختلف مردم دنیا را به خود جلب کرد و بعنوان مسئله‌ای بین‌المللی مطرح شد و تفسیر و تحلیل‌های گوناگون از ابعاد مختلف تخصصی بویژه حقوقی را در پی داشت. در داخل علاقمندان به اهداف مقدس آن شهید والا مقام با تشکیل جلسات و نشست‌های علمی، سمینارها،



خداوند این سردار بزرگ است که در زندگانی خود همواره به کار می بردند و به دیگران نیز توصیه می کردند.

هرچند این تلاش علمی نظیر هر اثر علمی دیگر ممکن است کاستی‌هایی داشته باشد اما به هیچ وجه از ارزش والی آن به لحاظ یک پژوهش علمی هدفمند که صبغه اخلاص آن شهید ارجمند بر مجاهدت علمی نویسندگان آن سایه افکنده نمی‌کاهد. از دیگر نکات مثبت و حائز اهمیت این اثر آن است که بصورت گروهی و با مباحثه علمی و با استفاده از تعالیم اساتید محترم دانشگاه و برای یافتن پاسخ به یک سؤال مهم حقوقی و مطالبه و دفاع از یک ارزش ملی و بین‌المللی به رشته تحریر درآمده است. موضوع این کتاب کاملاً به روز، مبتلا به و مورد مطالبه تمام حامیان اندیشه و آرمان شهید سلیمانی است. این اثر به انضمام یک لایحه پیشنهادی اولیه و ترجمه چند سند مرتبط در ۲۶۵ صفحه به وسیله سه نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری به نامهای آقایان صادق بشیره، مرتضی پورعزیز و ساوالان محمدزاده نگارش و توسط انتشارات همان دانشگاه منتشر شده است.

در پایان دیباچه این کتاب که به قلم جناب آقای دکتر فرید محسنی ریاست محترم دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری است، مجاهدت علمی نویسندگان جوان، با انگیزه و فاضل کتاب، که توانسته‌اند به لطف خداوند متعال به چنین توفیق بزرگی نائل گردند، ستوده شده است و با دعای «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ» دیباچه این کتاب به پایان رسیده است. این کتاب از دو بخش بررسی ماهیت اقدام نظامی ایالات متحده آمریکا از ابعاد مختلف حقوق بین‌الملل و طرح دعوا در محاکم داخلی و مراجعه به محاکم بین‌المللی توسط ایران (دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری) تشکیل شده است.





دریچہ فناوری و تکنولوژی

ماہنامہ خط بہشتی - شماره ہفدہم - بہمن ماہ ۱۴۰۰



شما نیز مانند من مشتاقانه منتظر دیدن نتایج این حرکت بزرگ NASA هستید، مطابق وعده در تابستان سال شمسی آینده می‌توانید زاویه‌ای جدید از جهان هستی را مشاهده کنید. قطعاً تا به امروز کم و بیش در مورد بلاک چین و ارزهای دیجیتال شنیده‌اید، اما اجازه دهید جنبه دیگری از این تکنولوژی که در سال ۲۰۲۱ بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته را برای شما بازگو کنم تا به بلاک چین فقط به چشم یک بستر برای ارز دیجیتال نگاه نکنید.

بلاک چین به علت ماهیت توزیع شده بودن از امنیت بالایی برخوردار است، چرایی این مورد را با یک مثال بیان خواهم کرد. اگر داده‌های مربوط به کارت سوخت شهروندان ایرانی بر روی یک سرور و یا مجموعه سرورهای متمرکز نگهداری می‌شود، با مورد حملات سایبری قرار گرفتن کل سیستم سوخت رسانی ایران دچار مشکل می‌شود. در مقابل زمانی که حرف از بلاک چین می‌شود، یعنی اینکه حتی داده‌های یک شهروند بر روی چندین سرور که اغلب به طور داوطلبانه در ازای دریافت پول به شبکه پیوسته‌اند نگهداری می‌شود، به واسطه رمزنگاری این داده‌ها قابل شنود و یا سو استفاده توسط افراد داوطلبی که به شبکه پیوسته‌اند نیست. این افراد که به طور داوطلبانه به شبکه پیوسته‌اند در ازای پول، همان ماینرها هستند که متأسفانه از حقوق این حوزه نیز صیانت‌هایی صورت گرفته است. زمانی که به هر دلیلی یک یا چند سرور از این شبکه خارج شود و یا مورد حمله قرار گیرد، سرویس‌ها به دلیل توزیع شده بودن به کار خود ادامه خواهند داد. حال که با چستی این تکنولوژی بهتر آشنا شدید در مورد جدیدترین اتفاقات در سالی که گذشت صحبت می‌کنیم تا با گستردگی کاربرد این زمینه نیز بیشتر آشنا شوید.

شرکت لایکلیهود مارتین، سازنده جت جنگنده F۳۵ و اولین پیمانکار نظامی آمریکا در سال ۲۰۲۱ اعلام کرد که در حال توسعه یک شبکه بلاک چین جهت بکارگیری در امور حساس و نظامی است. اهمیت اطلاعات زمانی مشخص می‌شود که شما به این نکته پی‌ببرید که بسیاری از دستگاه‌های نظامی از رادار کنترل می‌شوند و این امر زمینه‌های شنود و یا دستکاری اطلاعات را پررنگ‌تر می‌سازد، از این رو با بکارگیری یک سیستم بلاک چین در امور نظامی امنیت اطلاعات تا حد زیادی حفظ می‌شود.

دیگر اتفاق جالب توجهی که در سال ۲۰۲۱ در زمینه بلاک چین پُررنگ شد، قراردادهای هوشمند بود. قرارداد هوشمند یعنی شما

چشم‌انداز تحولات تکنولوژیکی در سال ۲۰۲۱

نویسنده: سینا صیفوری

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر
دانشگاه شهید شمسی‌پور تهران



اگر بگوییم که کرونا در زمینه پیشرفت تکنولوژی نتایج مثبتی به همراه داشته است، زیاد بیراه نگفته‌ایم، در سال میلادی که گذشت فرهنگ دورکاری و استفاده از اینترنت برای انجام امور روزمره جای خود را بیش از پیش میان مردم پیدا کرد. از فروشگاه‌های اینترنتی گرفته تا بانک‌های تمام دیجیتال در ایران نشان از این دارد که علیرغم اینکه عده‌ای پیشرفت تکنولوژی به مذاقشان خوش نمی‌آید اما در نهایت این آفتاب پیشرفت تکنولوژی است که سیاهی جهل و عقب ماندگی را بیرون می‌راند.

اگر زیاد اهل تکنولوژی نیستید و یا نمی‌دانید که تکنولوژی می‌تواند چه تاثیراتی در زندگی شما داشته باشد در آینده، اجازه دهید تنها گوشه‌ای از دستاوردهای سایر کشورها در سالی که گذشت را برای شما بازگو کنم. مغز انسان به عنوان یکی از پیچیده‌ترین اعضای بدن انسان از اولین زمینه‌هایی بود که دستخوش بلندپروازی‌های انسان شد. شرکت Neuralink با رونمایی از چندین حیوان که با تراشه‌های قرار داده شده در مغزشان آزمایشات بالینی را پشت سر گذاشت و وارد فاز آزمایش انسانی شد، البته خبرهای اخیر حاکی از آن است که سیاستمداران آمریکایی نیز برای از دست ندادن امتیاز این مرحله قصد تصویب طرح صیانت از کاربران استفاده کننده از تراشه‌های هوشمند را دارند و با استفاده از آن قصد سنگ اندازی جلوی افزایش فهم و درک انسان و پیشرفت علم را در سر می‌پرورانند.

یکی از علومی که از دید بنده همیشه اسرار آمیز بوده است و رابطه آن با زمین را هرگز درک نکرده‌ام، در روز میلاد مسیح در سال ۲۰۲۱ چندین قدم به جلو حرکت کرد. دقیقاً در روز ۲۵ دسامبر ۲۰۲۱ بود که ماهواره بر حاوی تلسکوپ خارق العاده جیمز وب به فضا پرتاب شد. البته این تلسکوپ بسیار پیچیده که ساخت آن ۲۰ سال طول کشید و ۱۰ میلیارد دلار هزینه داشت هنوز تا کشف حقایق جهان هستی کمی راه در پیش دارد و باید مراحل گسترده شدن و سرهم شدن را طی کند. اگر

به وجود آمده به نوعی سرمایه‌گذاری روی آینده تبدیل شده است.

در کنار گجت‌هایی که در زمینه واقعیت مجازی و یا واقعیت افزوده در این سال به دنیا معرفی شد، برخی از ابزارهای فناورانه که با هدف افزایش سلامتی و کاهش خطرات به بازار آمدند، ماسک‌های هوشمند و یا ابزارهایی که هشدارهایی جهت جلوگیری از ابتلا به کرونا معرفی شدند در این میان بیشتر به چشم می‌آیند و بیشتر مورد استقبال قرار گرفتند.



اما فارغ از ابزارهایی برای افزایش بهداشت و سلامت فردی ابزارهایی نیز جهت جلوگیری از وقوع حوادث مورد استفاده قرار گرفتند که کلاه ایمنی که راهنما و چراغ خطر به عنوان آپشن‌های آن محسوب می‌شود نمونه‌ای از این دسته بود، اما این ابزارها که بیشتر در زمینه خودران سازی ماشین و سیستم پیشگیری از حوادث در برخی ماشین‌ها تعبیه شدند در برخی از کشورهای پیشگام در این حوزه نشان از کاهش آمارهای تصادفات دارند.

چندی پیش دانشمندان آکادمی هوش مصنوعی چین از دادگاه هوشمندی خبر دادند که با استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند یک پرونده را بر اساس توضیحات شفاهی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. شبکه عصبی با دقت ۹۷ درصد بر اساس پارامترهای مختلف برای هشت جرم رایج در شانگهای از جمله سرقت، رانندگی خطرناک و کلاهبرداری از کارت اعتباری و... فعالیت می‌کند. توسعه دهندگان معتقدند با گذشت زمان، هوش مصنوعی دقیق‌تر می‌شود و می‌تواند جرایمی که رواج کمتری دارند را تشخیص دهد و یک مظنون را متهم کند. بر اساس گزارش‌ها، دادستان دیجیتال قبلاً در شانگهای، بزرگترین و شلوغ‌ترین دادسرای چین آزمایش شده است. پژوهشگران بر این باورند که این به دادستان‌ها کمک می‌کند تا روی کارهای پیچیده‌تر تمرکز کنند. امید است نگاه‌های داخلی نیز نسبت به چنین تکنولوژی‌های بیشتر توجه کنند تا پرونده‌های فساد زودتر مورد بررسی قرار گیرند، البته اگر به امنیت ملی، مصلحت نظام و یا برخی دیگر از بهانه‌های حکومتی بر نمی‌خورد و برهه چهل ساله حساس کنونی را خدشه دار نمی‌کند.

در میان گجت‌های هوشمندی که در سال ۲۰۲۱ به بازار عرضه شدند، برخی از ابزارها که جنبه تجمل‌گرایی دارند و برای کسب درآمد به نظر می‌رسند بیشتر تازمینه سازی پیشرفت، نسل سوم

یک سیستم کاملاً مطمئن را واسطه انجام امور تجاری خود نظیر معاملات و یا جابجایی پول قرار دهید. وام‌های هوشمند از جمله خدمات جدیدی هستند که با استفاده از ارزهای دیجیتال و حذف بانک‌ها در صدد تسهیل امر دریافت سرمایه است. این شیوه وام دهی بیشتر به درد افرادی می‌خورد که قصد انجام معاملات ارزهای دیجیتال را دارند، شیوه کار بدین صورت است که شما ارز دیجیتال را به عنوان وثیقه قرار می‌دهید و معادل آن پول دریافت می‌کنید، با این کار شما همزمان هم ارزهای دیجیتال خود را نگه‌داشته اید و فقط آن‌ها را به امانت گذاشته اید و هم اینکه معادل آن‌ها سرمایه برای رفع نیاز خود دریافت کرده‌اید. زمانی که شما پول دریافت شده را بازگرداند سیستم به طور خودکار ارزهای دیجیتال شما را به کیف پول دیجیتال تان انتقال خواهد داد.

در سال میلادی که گذشت گجت‌های فوق العاده جالبی به بازار عرضه شد که از دید بنده دنیای ما را یک قدم به سوی به وجود آمدن دنیایی کاملاً مجازی به موازات دنیای فعلی نزدیک کرد.



پهپاد DJI FPV که با استفاده از واقعیت مجازی قابلیت کنترل دقیق‌تر و تجربه کاربری بهتری را به وجود آورده است، تنها بخشی از آینده‌ای است که در آن انسان‌ها به صورت از راه دور با استفاده از تکنولوژی واقعیت مجازی دست به انجام امور روزمره خود می‌زنند. در همین رابطه شرکت Facebook به جهت اینکه تمرکز خود را بر روی خلق ابزارها و حتی دنیایی جدید گذاشته است نام خود را به Metaverse تغییر داد، این کلمه که از دو کلمه Meta به معنی فراتر و Universe تشکیل شده است به یک دنیای جدید اشاره دارد که در آن با استفاده از واقعیت مجازی بسیاری از محدودیت‌های فیزیکی رفع می‌شود. نمونه‌ای از این دسته از رفع محدودیت‌ها فروشگاه‌های مجازی در بستر متاورس است که در آن شما قادر به انجام بسیاری امور به صورت از راه دور هستید، مثلاً می‌توانید لباس مدنظر خود را بدون حضور در محل تنها بر اساس سایز بدنی خود پرو کنید و به صورت مجازی مشاهده کنید و یا به صورت مجازی در محل کار خود در کنار همکاران خود قرار بگیرید درحالی که در خانه هستید. همه این‌ها تنها بخشی از تحول‌های پیش روی ماست که در حال وقوع است، اما سرعت و شدت پیشرفت به حدی است که مفهوم خرید زمین در دنیای متاورس و ایجاد فروشگاه‌ها در برخی از جوامع

ایرپادهای اپل و مدل‌های جدیدی از گوشی به چشم می‌خورند که با تغییرات جزئی نسبت به سری‌های قبلی افزایش قیمت‌های چشم‌گیری داشته‌اند. با اینکه بنده نگاه کاپیتالیستی به تکنولوژی را زمینه‌ساز پیشرفت می‌دانم، اما نباید فراموش کرد که در صورت افراط در این راه دنیای گذشته تکرار خواهد شد، به زبان ساده دنیای تکنولوژی یک فرصت دوباره برای بشر است تا دنیایی به دور از شکاف‌های طبقاتی فاحش و عدالت محور را به بشر بازگرداند، می‌دانم که با یک نگاه به اینستاگرام و ابزارهایی از این قبیل با خنده به موضوع نگاه می‌کنید، اما در نظر داشته باشید که این فروشگاه‌های اینترنتی بودند که دسترسی شما را از هر نقطه از کشور به کالاهای متنوع از سایر شهرها فراهم کردند و این دادگاه‌های هوشمند هستند که بدون در نظر گرفتن مصلحت خواص حکم صادر می‌کنند و این دوربین‌های هوشمند هستند که بدون در نظر گرفتن مدل ماشین شما جریمه می‌کنند.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که تکنولوژی جدید اول از همه احتیاج به قوانین جدید دارد و ورود یک تکنولوژی جدید به بازار در اغلب کشورها با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی صورت می‌پذیرد. اگر فعالان حوزه حقوق و علوم اجتماعی نسبت به این دست از مسائل سهل انگار باشند پیامدی جز برخورد گزانببری سیاستمداران در پی نخواهد داشت و طرح‌های صیانت روز به روز بر حوزه‌های مختلف وضع می‌شوند تا از منافی خیالی و اهدافی نامعلوم صیانت کنند.

مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده محترم شهید سلیمانی:

بزرگداشت مردمی و مبتکرانه حاج قاسم در سراسر

ایران نشان دهنده‌ی پیشرو بودن ملت در قدرشناسی

از این شهید والامقام است.

